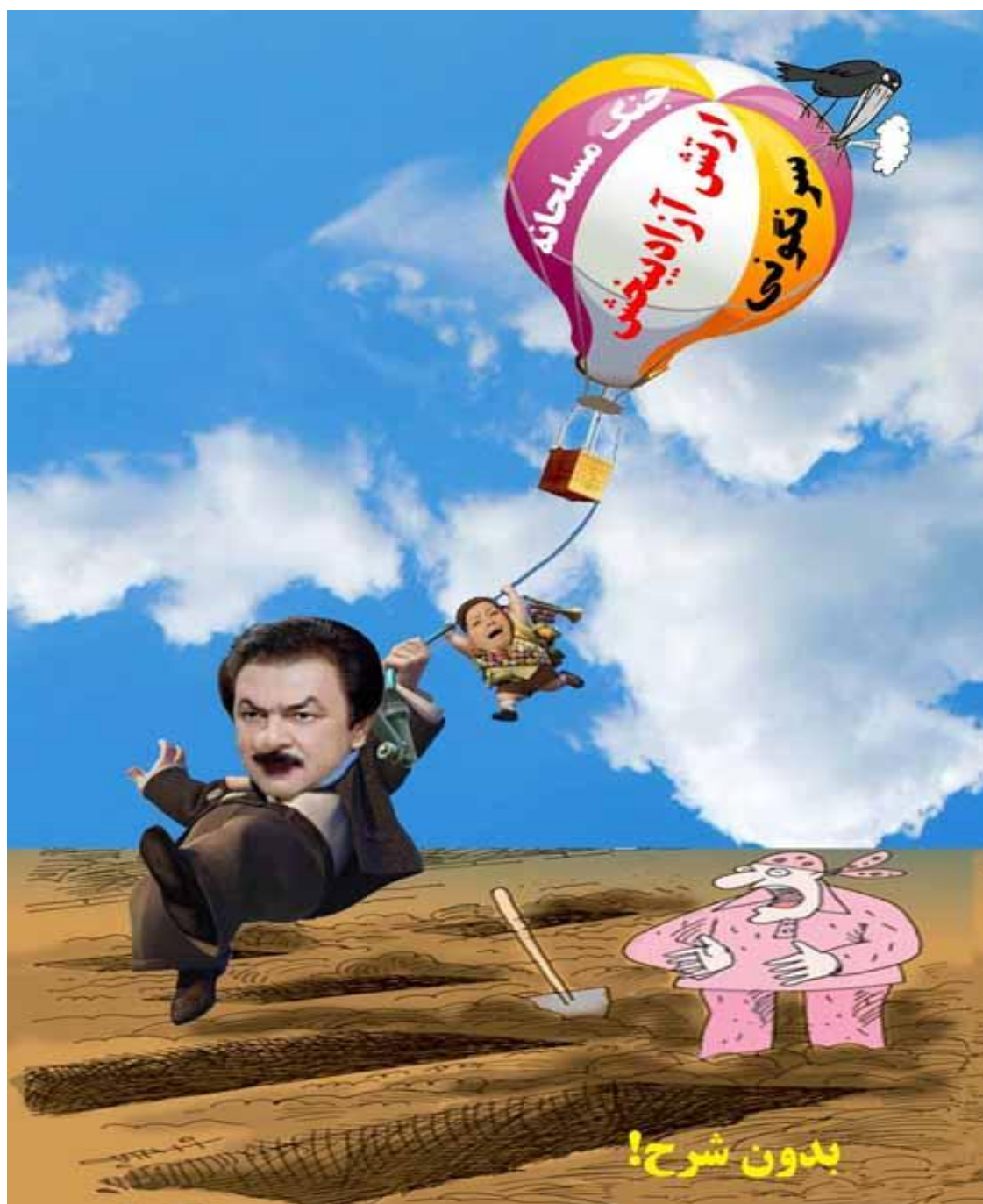
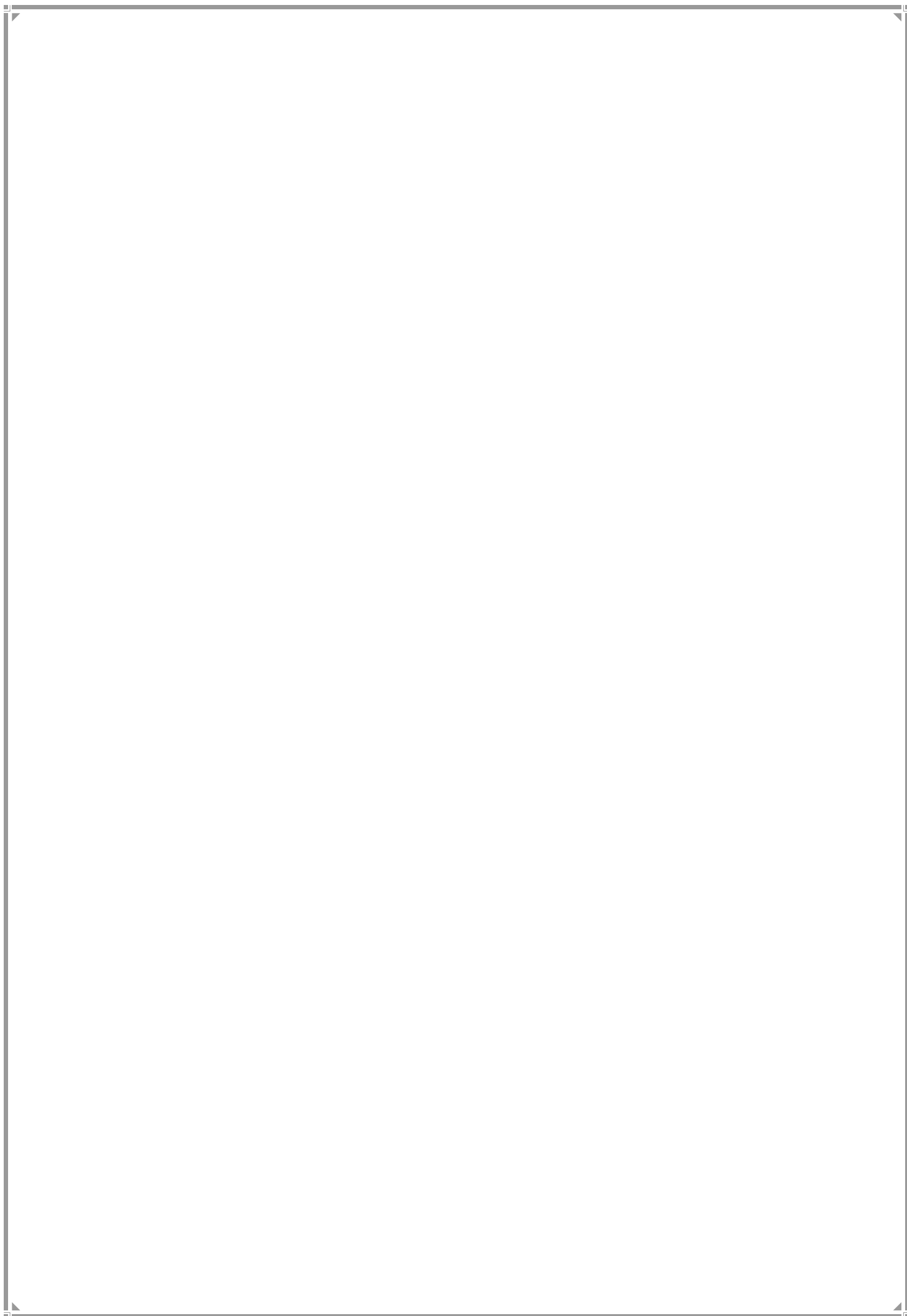


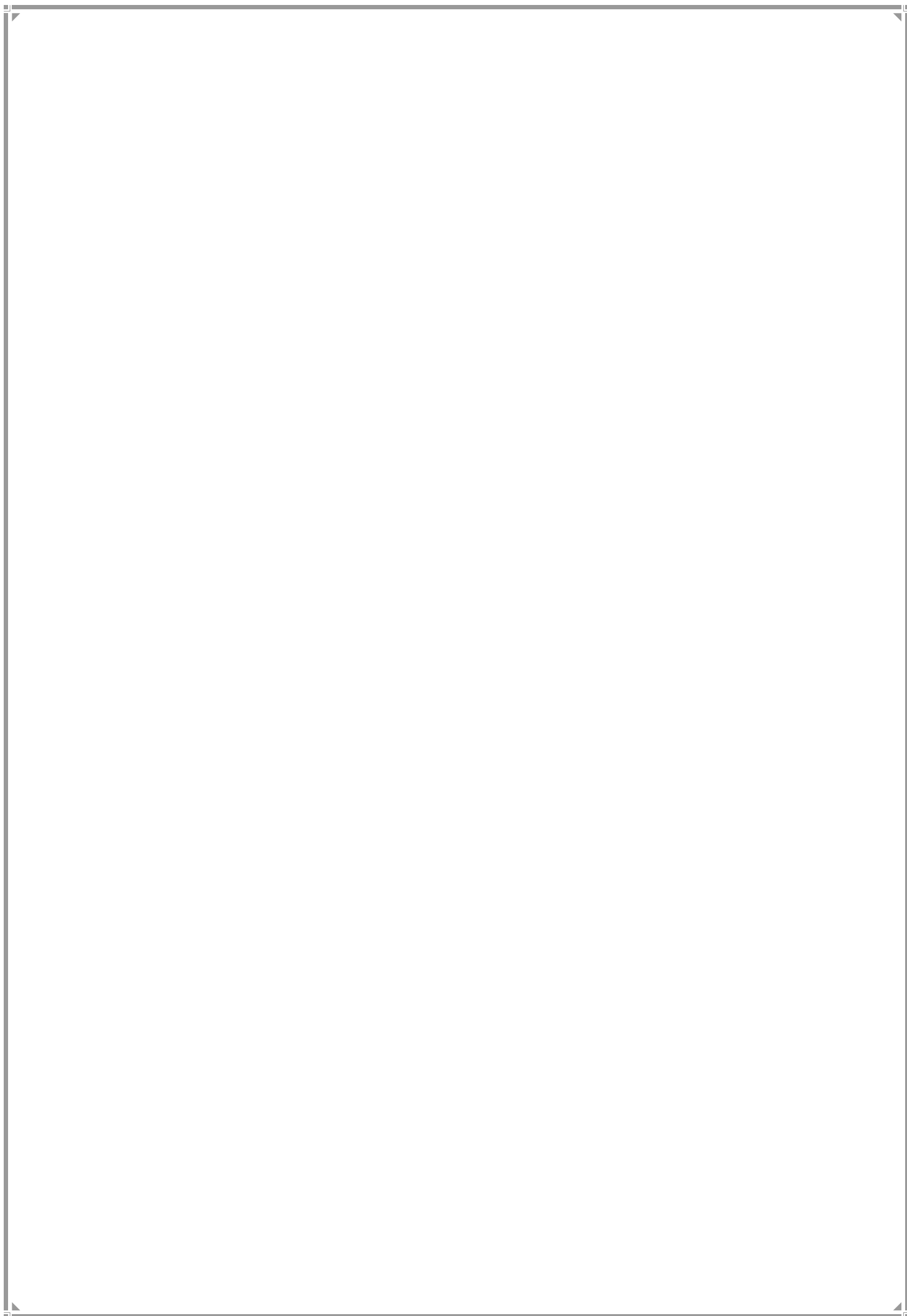
نشریه انجمن نجات

شماره ۵۹





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان	فهرست مطالب	صفحه
* اراجیف رجوی در مورد جدا شدگان در سوئیس نشانه درهم شکستگی و پایان عمر خیانت بار رجوی		۶
* اعلام وحشت مکرر فرقه رجوی از احتمال مراجعه خانواده ها به لیبرتی عراق		۹
* آخرین وضعیت سازمان مجاهدین و جدا شدگان از این فرقه در آلبانی		۱۱
* بازگشت محمود رحمانی از آلبانی به وطن بعد از ۲۷ سال		۱۴
* پلیس فرانسه شکایت حسین نژاد را ضمیمه پرونده تروریستی فرقه ساخت		۱۵
* خدایا من فقط پدرم را می خواهم		۱۸
* درخواست خانواده های گلستانی از نماینده حقوق بشری		۲۰
* دیدار انجمن نجات خوزستان با خانواده علیرضا سلیمانی اسیر در فرقه رجوی		۲۲
* ضرب و شتم آقای منصور نظری توسط چاقو کشی های مریم قجر عضدانلو در کشور فرانسه		۲۴
* فرقه رجوی گروهی تروریستی		۲۵

عنوان	فهرست مطالب	صفحه
* فوبیای خانواده ها، باند رجوی را دچار جنون کرده است !		۳۱
* گرامیداشت سالگرد ترور و خشنونت توسط مجاهدین خلق		۳۳
* گرد همائی برای خیانت بزرگ		۳۵
* گزارش جلسه سالانه فدراسیون اروپایی مراکز اطلاع رسانی و تحقیق در مورد فرقه ها		۳۷
* مادرم بی صبرانه در انتظار تماس تلفنی محسن مهرورز است		۴۶
* محاکمه مهدی ابریشمچی در دادگاه پاریس، آیا اروپا در برابر تروریسم خواهد ایستاد؟		۴۷
* نامه انجمن نجات به سفیر سوئد در ایران		۴۹
* نامه سرگشاده خانم سکینه عوض زاده مادر (علی هاجری تحت اسارت در لیبرتی - عراق)		۵۴
* آدرس استانها (تلفن - فکس - صندوق پستی)		۵۶



اراجیف رجوی در مورد جدا شدگان در سوئیس نشانه درهم شکستگی و پایان عمر خیانت بار فرقه

پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴

بعد از سرنگونی صدام اکثر اعضای ارشد فرقه از جمله مریم رجوی و مهدی ابریشمچی و ... به اروپا گریختند ، آنها فکر می کردند که در اروپا می توانند با پولهای صدام حسین به خوشگذرانی پرداخته و به زندگی شاهانه خود در اروپا ادامه بدهند و فکر می کردند که هر جنایاتی هم که کردند کسی نخواهد فهمید و ... ، ولی بر عکس ، در اروپا جدا شده ها از حق خود و همزمانشان نگذشته و به افشاگری علیه فرقه رجوی پرداختند ، فرقه ای که هست و نیست آنها را از آنها گرفته بود و ماسک حقوق بشر ، حقوق و برابری زنان ، آزادی و دموکراسی را از چهره فرقه برداشتند و درب همه نادونیهای فرقه را تخته کرده و بعد هم از جنایات فرقه به تمام دادگاههای اروپا شکایت کردند . با توجه به افشاگریهای اعضای جدا شده و شکایات مستمر به دادگاههای کشورهای مختلف از جمله فرانسه و سوئیس و ... این دادگاهها اعضای ارشد فرقه را برای پاسخگویی بارها و بارها احضار کردند ، دادگاه فرانسه بارها و بارها شخص مریم رجوی و مهدی ابریشمچی را به دادگاه برای پاسخگویی به جنایات و آدمکشی و ... احضار کرد ، این افراد پرونده هایی بسیار قطور نزد دادگاههای اروپایی دارند ، لذا فرقه رجوی به همین خاطر کینه سختی را از جدا شده های منتقد خود به دل گرفته است و تمام تلاش خود را می کند تا با پرونده سازی و

تهمت مزدوری به این افراد مانع فعالیت آنها بشود . طبق اطلاعات موثق فرقه رجوی افراد خیلی زیادی را در قلعه اورسورواز موظف و بسیج کرده است که روزانه نامه هایی را علیه افراد جدا شده تنظیم کرده و به پلیس و دیگر ارگانها بفرستند که فقط و فقط حاوی دروغ و تهمت علیه آنهاست تا به این وسیله شاید فرقه مانع کارهای انسان دوستانه و حقوق بشری آنها بشود . ولی با این همه تلاش و با این همه انرژی که فرقه می گذارد نه تنها مانع فعالیت جدا شده ها نشده است بلکه هر روز در کشورهای مختلف دادگاههای جدیدی اعضای ارشد فرقه را احضار می کنند ، نمونه آن همین چند روز پیش دادگاه فرانسه مجدد ا مهدی ابریشمچی را برای پاسخگویی به جنایت و آدم کشی و ... احضار کرد.

اخیرا فرقه رجوی از ملاقاتهای اعضای انجمن ایران ستارگان با سازمانهای حقوق بشری در ژنو و با شهرداری شهر زوریخ و با سفارت عراق در برن و ... به شدت به خشم آمده بود و در برنامه به اصطلاح پرونده به هزیان گویی علیه اعضای انجمن ایران ستارگان پرداخته بود .

هرجا سنبه پر زور می شود و فرقه می بایست جوابگو باشد حرفی برای گفتن ندارد ، مجبور است حرف مسخره و تکراری همکاری با وزارت اطلاعات را تکرار کند که این حرف مسخره دیگر رنگی هم ندارد حتی پیش خود اعضای فرقه خوب است که فرقه بداند که اعضای انجمن ایران ستارگان همزمان و دوستان خود را در عراق و جنایات شما علیه آنها را فراموش نکرده و نمی کنند و برای همین در اکثر جلسات حقوق بشری شرکت کرده و خواستار نجات جان این افراد می شوند



و تا زمان آزادی تک تک آنها این فعالیتهای انسانی ادامه خواهد داشت حالا شما چه خود را در برنامه به اصطلاح پرونده جر بدهید و چه به پلیس و هر ارگان دیگری در سوئیس نامه نگاری بکنید

در قسمت دیگر فرقه تلاش می کند که به هر نحوی شده اعضای انجمن را از زمانی که در تیف کمپ آمریکاییها بوده اند را رابط و اعضای باند وزارت اطلاعات معرفی کند !!! فرقه در هم شکسته رجوی از زمان تشکیل کمپ تیف توسط آمریکاییها آن را جولانگاه وزارت اطلاعات خواند و گفت که این کمپ محلی است برای تجاوز آمریکاییها به افراد جدا شده است و اینگونه می خواست مانع ریزش افرادش که همگی می خواستند به این کمپ پناهنده شوند بشود ، در این کمپ تنها خبری که نبود یکی رژیم و وزارت اطلاعات و یکی هم از تجاوز آمریکاییها ، اینگونه تهمتها و دروغهای این فرقه حیلہ گر بر همگان آشکار و روشن است و فقط نشانه از در هم شکستگی و نشانه از پایان عمر ننگین این فرقه است.

کانون ایران ستارگان تهمت ها و هزیانگویی ها و پرونده سازیها و تهدیدهای فرقه را علیه اعضای انجمن ایران ستارگان که هیچ گونه پایه و اساسی ندارد و فقط ساخته و پرداخته ذهن بیمار رجوبهاست را به شدت محکوم می کند و به جای دروغ بافتن و حیلہ گری و دجالگری و خاک به پا کردن اعضای انجمن ایران ستارگان همانطوری که قبلا هم گفته اند از شخص مریم رجوی و مهدی ابریشمچی و بقیه اعضای ارشد فرقه می خواهند اگر راست می گویند و اگر این تهمت ها پایه و اساسی دارد لذا بیاید رو در رو

در دادگاه و نزد قاضی تا رو سیاهی شما بیش از پیش نزد همگان روشن شود.

ترس و وحشت فرقه رجوی از دادگاه بر همگان روشن است ، سال گذشته زمانی که مریم رجوی برای پاسخگویی جنایات و اعمال تروریستی به دادگاه فرانسه احضار شد همگی شاهد لرزشهای دستان خانم رجوی بودند !! رنگ پریده ایشان و دستانی لرزان و چهره ای نگران !! چرا مریم رجوی اگر جنایتی نکرده می باید اینگونه دست و پایش در مقابل دادگاه و عدالت باید بلرزد ؟

اعضای انجمن ایران ستارگان با شماها در دادگاههای عدالت در همین اروپا به زودی رو در رو خواهند شد .

آنوقت مزدوران و جنایتکاران و تروریستها بیش از پیش نزد همگان روسیاهتر خواهند شد.

اعلام وحشت مکرر فرقه رجوی از احتمال مراجعه خانواده ها به لیبرتی عراق!

سه شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۴



راستی بسیج اینهمه نیروی تبلیغاتی برعلیه خانواده های درایران که عزیز و عزیزانی را درفرقه ی رجوی ازدست داده ویا درچنگال های خونین این باند مخرب گرفتارند ، برای چیست؟

چرا باید اینهمه ترس ولرز ازخانواده های مراجعه کننده به کمپ ب نمایش گذاشته شده و ابراز وحشت گردد؟! مگر آنها دارای چه قدرت و سلاح مخرب اند و به جنگ چه کسی می روند که اینهمه باید خطرناک بنظر برسند و معرفی شوند؟!

جواب سؤال ساده است:

اسرای رجوی بادیدن اعضای خانواده ی خود دچار شوک بزرگی میشوند و گذشته هایشان را که با انواع ترفند های غیرانسانی ازذهن آنها خارج کرده اند ، ممکن است که دوباره احیا ء کنند واین احیا ء شدن گذشته ها، درحکم مرگ روابط حاکم درتشکیلات رجوی میگردد که نتیجه ی غائی اش، فروپاشیدن آن

تشکیلات و بی یار و یاور ماندن رهبری است که چاره ای جز انتحار برای خودش نخواهد دید!

سرسخن سایت ایران افشاگر رجوی بر سر موضوعی که مطرح کردیم ، به فغان درآمده و متنی با عنوان "خیانت به مفاهیم " منتشر ساخته که آورده شده است:

"یکی از پلشتی های تنفر انگیز نظام ارتجاعی حاکم بر میهن مان، تهی کردن مفهوم «کلمه»، دزدیدن و خیانت به محتوای آن است، ... از جمله این مفاهیم کلمه «خانواده مجاهدین» است."

درمورد تشکیلات متبوعه ی شما چطور؟ آیا این تشکیلات رجوی نیست که رجعت فاجعه بار به عهد عتیق و برقراری مناسبات برده داری درآن را بحساب تکامل گذاشته وکلی هم از مردم طلبکار شده است؟ آیا شما ها بعنوان گماشتگان و پادوهای نیستید که بدستور مسعود رجوی تلاش می ورزید که استبداد درون تشکیلاتی وانحصار طلبی بیرونی را بحساب آزادی ومقاومت بگذارید؟

کیست که جاسوسی بنفع بیگانگان را عین استقلال طلبی ومیهن دوستی جا میزند؟

کدام گروه است که استبداد مطلق را بنام دموکراسی به هواداران خود واگر دست داد، به دیگران قالب میکند؟

چه کسی غیر ازتشکیلات شما این برخورد شنیع با خانواده ها را معمول داشته و هرروز براین کارهای نفرت انگیز خود صحه میگذارد؟

آیا شخص مسعود رجوی ، هرخانواده را بعنوان یک سلول وهسته ی اطلاعاتی رژیم معرفی نکرده است



و....؟

اگر بخواهیم همه ی این موارد و دیگر مواردی را که توسط باند رجوی انجام شده تمام شرح دهیم، احتیاج به تألیف کتابی قطور دارد!

این گروه مافیایی تبهکار، رکورد دار "خیانت به مفاهیم" بوده و حق ندارد با فریاد زدن آی دزد، آی دزد، خود را از این اتهام بزرگ رها ساخته و فرافکنی کند!

در قسمتی دیگر از سرمقاله ی ایران افشاگر آمده است:

... "رژیم در گل مانده در شرایطی است که غرق در بحرانهای استراتژیک همه جانبه داخلی، منطقه ای و بین المللی است و برای فرار از این معضلات لاینحل، که از پا تا فرق سرش را فراگرفته، نیازمند به میدان آمدن دوباره با «ماسک» شیادانه «خانواده»! است تا با راه اندازی یک «جنگ روانی» جدید علیه تنها هماورش، جلوی سمت گیری شتابان قضایا در جهت سرنگونی اش را بگیرد."

اگر برآستی هم به صحنه درآمدن مثلاً دوهزار خانواده از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران، قادر به رفع بحران های رژیم است، باید نتیجه گرفت که این بحران ها چندان هم وسیع و با اهمیت نیستند که بدین راحتی با دست خانواده های متعلق به شما حل میشود.

تحركات قانونی و عاطفی این خانواده ها با تصمیم و علاقه خودشان انجام میگیرد و آنگاه آیا شما میخواهید این تحركات توسط رژیم درهم کوبیده شود تا شما ازپیش قاضی قاضی بروید؟!

باستثنای خانواده های گروگان داشته درچنگال خونین مسعود رجوی، کسی دراینجا یادی از مجاهدین خلق نمیکند و بنابراین آلترناتیو بودن را خود مطرح کرده و باور هم میکنید و نشان میدهید که دنیای دیوانگی هم برای خودش عالمی دارد!

سخنان این سرمقاله نویس خیالاتی چنین ادامه پیدا میکند:

"از طرف دیگر استفاده از این تاکتیکهای ذلیلانه که شکست آن از پیش مسجل است، ناتوانی رژیم در برابر آلترناتیویش را هم به نمایش می گذارد. چرا که اگر توانی برای رودرویی مستقیم برایش مانده بود، هرگز به چنین روشهای کثیفی نیازمند نمی شد. سوءاستفاده از عنوان ساختگی «خانواده» و راه اندازی یک جنگ روانی نیابتی حول آن علیه اشرفیان، بیانگر استیصال و درماندگی ... است."

وقتی شما ازحضور چند پیرمرد وپیرزن درحول وحوش لیبرتی اینهمه ازهم میپاشید، رژیم چه احتیاجی برای دخالت دارد؟

مسئله ی اصلی دراین بین نه مسئله ی رژیم ودرگیری هایش با شماست، که مسئله ی خانواده ها برای دیدار عزیزان بااکثریت مطلق فریب خورده تشکیلات رجوی است و شما با طرح اینگونه ی مسائل، بیخود ومانند همیشه مشکل اصلی و تضاد عمده ی رجوی ها با خانواده ها را به تضادهای خود به رژیم نسبت ندهید! خانواده ها مشکلی بنام اختلافات حکومت ایران و باند رجوی ندارند ودراین مسائل دخالتی نمی کنند.

گروهی از خانواده های مرتبط با گروگان های لیبرتی درآذربایجان شرقی

پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴

آخرین وضعیت سازمان مجاهدین و جادشدگان از این فرقه در آلبانی

آقای سربی : موضوعی که آقای تاج بخش در مورد آن صحبت خواهند کرد ، وضعیت سازمان مجاهدین و جادشدگان در آلبانی هست که بدون اتلاف وقت به سراغ ایشون میریم ، سال نو را تبریک میگیم و می پرسیم که نظرشون در این مورد چه هست و چه فکر می کنند ؟

آقای تاج بخش : من هم سلام عرض می کنم خدمت شما آقای سربی و خدمت بینندگان عزیزتون ، سال نو رو هرچند با تاخیر تبریک میگم و امیدوارم سال خوبی برای همه ما باشه . همانطوری که اشاره کردید موضوعی که من امروز در مورد اون صحبت می کنم وضعیت دوستان جادشده از سازمان در آلبانی هست . من فرض رو بر این می گیرم که کسانی که این برنامه رو می بینند موضوعات مرتبط با مجاهدین رو دنبال می کنند و در نتیجه خیلی به سابقه امر اشاره ریز نمی کنم که وقتمون گرفته نشه.

همانطوری که میدونید کشور آلبانی مدتی است که تعدادی از اعضای مجاهدین رو پذیرفته و چند سری از این افراد البته با حاشیه هایی که وجود داشت به کشور آلبانی رفتند . پس از بسته شدن اردوگاه اشرف و انتقال تمام نیروهای مجاهدین به کمپ لیبرتی ، بحثی در درون تشکیلات مجاهدین مطرح شد با عنوان “ یک ، دو ، سه و هزار اشرف “ . خب آقای رجوی که البته استاد شارلاتان بازی و ابداع کلماتی است که محتوایی

ندارند و تنها برای مشغول کردن افراد اسیر در اون تشکیلات به کار برده می شه .

البته که مجاهدین می خواستند که با پیش آوردن این بحث بار دیگر نیروهایی که در اثر شرایط منطقه ای و محقق نشدن وعده های پوچ آقای رجوی نا امید و سرخورده تر شده بودند رو مشغول کنند اما در پس این موضوع این نیت هم وجود داشت که مجاهدین می خواستند از هر موقعیتی استفاده کنند که بتونند جایگزینی برای اشرفی که از دست رفته ایجاد کنند ، نیروها به لیبرتی آورده شدند و خب شرایط لیبرتی به گونه ای نبود که مجاهدین بتونند فعالیت داشته باشند شرایط منطقه ای دیگه به گونه ای نبود که مجاهدین بتونند حتی درهمون حدی که در اشرف امکانش رو داشتند با بخشی از مردم عراق ارتباط داشته باشند و در واقع در یک حالت ایزوله کامل به سر می بردند

آقای سربی : چرا ؟ به سبب محل جغرافیایی هست یا به چه دلیل امکاناتی که در اشرف بود در لیبرتی نیست ؟

آقای تاج بخش : ببینید این سوال خیلی خویه و از ابعاد مختلف می شه این مسئله رو بررسی کرد و از هر لحاظ که بخواهیم لیبرتی رو با اشرف مقایسه کنیم، امکان ها و دست باز کمتری به مجاهدین می دهد برای فعالیت کردن . مهمتر از همه موضع دولت جدید عراق در قبال مجاهدین و دیگه این جریان قرار نیست که اجازه داشته باشد با فعالیت های خودشون در امور داخلی عراق مداخله کنند . وقتی که مجاهدین در اشرف بودند با ارتباطاتی که داشتند و توسط کسانی که برای آنها شاید به عبارت درست مزدوری می کردند، توانسته بودند شرایطی رو ایجاد کنند که با یک طیف خاصی و



یک طیف محدودی از مردم عراق ارتباط برقرار بکنند و یک سری رسانه ها رو بخرند و در این رابطه اینها یک پروپاگاندای تبلیغاتی تحت عنوان رابطه اجتماعی با مردم عراق به راه انداخته بودند ، در حالی که مجاهدین در عراق ، همانطوری که در ایران ، پایگاهی ندارند ، به دلایل مختلف به دلیل کرد کشی به دلیل نقشی که مجاهدین در سرکوب شیعیان عراق ایفا کردند و به دلیل سالها مزدوری شان برای صدام حسین و دولت سابق عراق ، مجاهدین در این کشور پایگاهی نداشته و ندارند.

اما با ترفند ها و هزینه هایی که میکردند و با پول نفتی که از صدام می گرفتند و اون رو در عرصه های مختلف سرمایه گذاری کردند و از آن استفاده می کنند با این هزینه کردن ها و با ارتباطاتی که می گرفتند ، سعی کردند که نفوذ پیدا کنند در بخشی از جامعه عراق و این مسئله در لیبرتی امکان تحقق نداره به خاطر اینکه قبل از هر چیز و مهمتر از هر چیز این دولت جدید عراق این امکان رو بهشون نمیده و الان بعد از تعطیل شدن اشرف و آمدنشان به لیبرتی دیگر حنای مجاهدین حتی پیش لابی های عراقی و آمریکایی شون که با دریافت کمک های مالی و حمایت از طرف مجاهدین سعی می کردند که خط آنها رو پیش ببرند هم رنگی ندارد.

از طرف دیگر ارتباطات و رفت و آمد مجاهدین در لیبرتی خیلی بیشتر کنترل شده است و این موضوع خب فشارهایی به افرادی که آنجا در تشکیلات مجاهدین اسیر هستند میاره و این وجه منفی اش هست و من البته قصدم این نیست که تایید بکنم اون تبلیغاتی که مجاهدین می کنند ولی این خیلی واقعی

هست که طبعاً اون شرایط و امکاناتی که مجاهدین در اشرف داشتند رو در لیبرتی ندارند اما وجه مثبت این هست که ارتباطات خاص مجاهدین رو خیلی محدود کرده و در واقع مجاهدین دیگر امکان این رو ندارند

خیلی بحث توی بحث میاد ، من به نکته کوچکی اشاره می کنم و برمی گردم سر موضوعی که خودم میخواستم صحبت کنم . آن سالهایی که من در تشکیلات مجاهدین بودم چند سالی رو در یگان های اجتماعی و بخش اجتماعی مجاهدین فعالیت داشتم و ما با مردم عراق ارتباط می گرفتیم و من خیلی دوست دارم که حتما در یک برنامه ای در مورد این موضوع مفصل صحبت کنم چون بحث جالبی هست . از جمله کارهایی که مجاهدین می کردند این بود که یک سری جوان های عراقی رو که در شرایط نابسامان عراق از جمله نیازهای مالی داشتند اینها رو جذب می کردند و تحت عنوان “ار-آ” مخفف رزمنده عراقی ، در یگان هایی سازماندهی می کردند و برای اینها آموزش تشکیلاتی می گذاشتند و چون خود مجاهدین امکان تردد به خارج از اشرف رو نداشتند ، از اینها استفاده می کردند و اینها کارهای مجاهدین رو در بیرون اشرف انجام می دادند . الان در لیبرتی از جمله این امکان وجود ندارد .

این رو داشتم عرض می کردم که تمام تلاش مجاهدین این بود که این حفره بزرگ رو و این امکان رو به نوعی جبران بکنند و بتونند در شرایط جدید راهی رو برای ادامه فعالیت هاشون پیدا کنند . این فعالیت ها دو جنبه داره یکی اون بخش واقعی هست که مجاهدین بهش نیاز دارند که سر و صدای تبلیغاتی به پا کنند و در شرایط منطقه و کشور عراق مداخله کنند



از هر چیز بتوانند باهاشون تماس داشته باشند و اونها رو ببینند و از زیر فشار های تشکیلاتی سازمان بیرون بیان ، اینها باعث می شد که این افراد از تشکیلات مجاهدین جدا بشوند کما اینکه این اتفاق افتاده و من در تشریح وضعیت دوستانی که اونجا هستند به این موضوع اشاره خواهم کرد .

از جمله کارهایی که
مجاهدین می کردند
این بود که یک سری
جوان های عراقی رو
که در شرایط
نابسامان عراق از
جمله نیازهای مالی
داشتند اینها رو جذب
می کردند و تحت
عنوان “ ار- آ “
مخفف رزمنده عراقی
، در یگان هایی
سازماندهی می کردند
و برای اینها آموزش
تشکیلاتی می گذاشتند

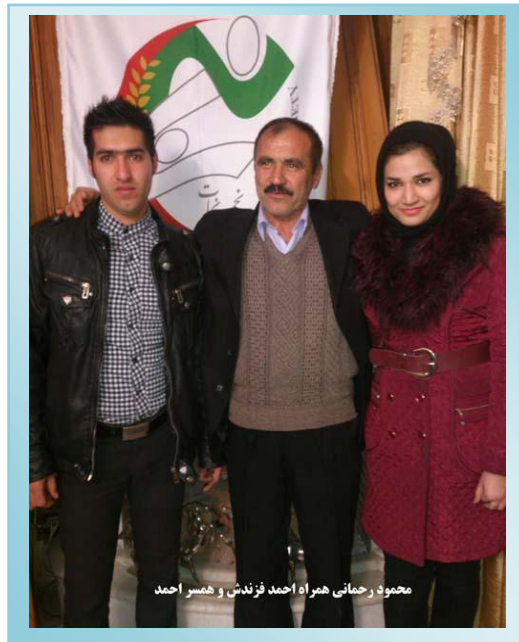
و یا با کانال هایی که می تونند برای باز شدن دستشان به آنها کمک کنند ارتباط برقرار کنند .
اما وجه دیگر افرادی هست که در داخل این تشکیلات هستند . مجاهدین حدود سه هزار نفر رو جایی جمع کردند ، سالها به اینها وعده داده اند ، وعده هایی که هیچ کدام محقق نشده است آقای رجوی هم که استاد تابلو کشیدن و طرح و برنامه ریختن و زمان بندی کردن و نرسیدن به اون وعده ها سر اون زمان بندی هاست و اینها باید یک طوری توجیه بشه و بحث جدیدی بیاد که بتونند نیروها رو حفظ کنند و سرشان را با موضوعی جدید گرم کنند .

زمانی که دولت آلبانی قبول کرد که تعدادی از این افراد رو در کشور خودش بپذیره ، این امکان خوبی برای مجاهدین به نظر می رسید که بتونند از این فرصت سوء استفاده کنند و با سرمایه گذاری روی افرادی که خارج می شوند بتونند تشکیلات رو یک بار دیگه احیا بکنند . اما مسئله که وجود داشت این بود که اگر مجاهدین می پذیرفتند که کمیساریای عالی پناهندگان لیست افرادی که قرار است به آلبانی بروند را تنظیم کنند ، با مشکل جدیدی روبرو می شد . به نظر من درصد خیلی زیادی از افرادی که در لیبرتی هستند ناراضی اند و این افراد که سالها تحت شستشوی مغزی بوده اند ، تحت فشارهای تشکیلاتی بوده اند ، از تمام مواهب زندگی در یک دنیای آزاد محروم بوده اند ، خواسته های آنان سرکوب شده است و به لحاظ رسانه ای و اطلاعاتی ایزوله بوده اند ، اینها وقتی پاشون به دنیای آزاد برسه به جایی که خودشون تصمیم بگیرند که چی میخوان بیوشند ، چی میخوان بخورند و چطوری میخوان زندگی کنند و با کی میخوان رابطه داشته باشند ، خانواده هاشون رو مهمتر

تواند فقط پاسخگوی همین یکی از عملکردهای به
غایت ضد انسانی خود باشد؟!!

هرگز راستی چرا رجوی این قدر ضد ارزش های
خانواده است ؟

بازگشت محمود رحمانی از آلبانی به وطن بعد از ۲۷ سال



محمود رحمانی همراه احمد فرزندی و همسر احمد



محمود رحمانی و مادرش

دیدار فرزند ۳۰ ساله با پدر ۵۱ ساله (در حالی که پسر ۳
سال بیشتر نداشته که پدر بعنوان سرباز در جبهه های
دفاع از وطن به اسارت صدامیان، دوستان و حامیان
رجوی خائن و مزدور در می آید)

شاهد دیداری بودیم که در آن اشک ها و لبخندها در
هم آمیخته بود و نگاه های همه به نقطه ای دوخته
شده بود که عزیزی بیش از ربع قرن در حلقه مهر و
محبت اعضای خانواده اش گم شده بود. در میان این
حلقه زیبا یک چیز تکان دهنده و شوکه کننده بود
بطوریکه اشک همه را در آورده بود آن هم لحظه در
آغوش کشیدن پدر و فرزند. اینجا بود که صدای حق
هق گریه همه فضا انجمن را پر کرده بود. من در حال
گریه به این موضوع فکر می کردم که آیا رجوی می

پلیس فرانسه شکایت حسین نژاد را ضمیمه پرونده تروریستی فرقه ساخت

اردیبهشت ۱۳۹۴



من در ساختمان محل اقامتم شکایتی تسلیم پلیس محلی کرده و نامه شکایتی دیگر به قاضی ضد تروریست فرانسه که پرونده محاکمه مهدی ابریشمچی به جرم ارتکاب اعمال تروریستی را پیگیری می کند همراه با ترجمه تهدیدات سال گذشته شخص رجوی به قتل ما جدا شدگان مقیم اروپا با صدای خود او و لینک کلیپ آن در رسانه های فرقه مبنی بر اعلام عدم امنیت جانی تسلیم کردم که هر دو شکایت مورد تحقیق و رسیدگی قرار گرفته و پلیس پاریس و قاضی ضد تروریسم فرانسه سردمداران فرقه رجوی مستقر در اورسوراوز را عامل این اقدامات که مصداق ترور فکری و پخش دروغ و تهمت علیه پناهندگان مقیم فرانسه و تجاوز به حریم شخصی آنها می باشد شناخته و شکایت را به پرونده موجود تروریستی فرقه که همچنان در پلیس و دادگستری فرانسه باز است ضمیمه نمود تا در محاکمات سردمداران فرقه از جمله و مشخصا در محاکمه مهدی ابریشمچی در این دادگاه مطرح شود.

سردمداران فرقه رجوی مستقر در قلعه اورسور اواز باید بدانند که اگر اروپا و جهان آزاد بویژه فرانسه را با عراق تحت حاکمیت ارباب سابقشان صدام حسین در دوران مزدوری و نوکری رجوی برای او و دست باز داشتن برای هر نوع جنایت عوضی گرفته اند سخت در اشتباه هستند زیرا نمی توانند در اروپا و جهان آزاد قلدر مابی پیشه کنند و جدا شدگان از تشکیلاتشان را که رسماً پناهنده و مقیم این کشورها هستند و برخی نیز مانند اینجانب از ۲۸ سال پیش موقعی که خودم در تشکیلات آنان در همان اورسوراوز بودم دارای حق پناهندگی و اقامت رسمی در فرانسه بودم همچون دهها سال گذشته در اشرف و لیبرتی عراق و داخل

فرقه رجوی با پخش تراکتهای دروغ و تهمت علیه جدا شدگان در فرانسه و توهین به حق حاکمیت دولت فرانسه پرونده اش را سنگین تر ساخت قاضی ضد تروریست فرانسه شکایت اینجانب را ضمیمه پرونده ابریشمچی کرد تا موقع محاکمه او مطرح شود.

نوشته قربانعلی حسین نژاد عضو قدیمی و مترجم ارشد جدا شده بخش روابط خارجی سازمان مجاهدین متعاقب پخش تراکتهای سراسر دروغ و تهمت و اهانت به حاکمیت دولت فرانسه از سوی سردمداران فرقه رجوی مستقر در قلعه اورسوراوز علیه جدا شدگان از فرقه که پناهنده و مقیم فرانسه هستند از جمله علیه اینجانب با عکسهای ما موقع آکسیون جدا شدگان روز پنجشنبه ۷ ماه می جاری در حمایت از محاکمه مهدی ابریشمچی در دادگاه ضد تروریستی فرانسه و سپس حمله مزدوران و چماقداران رجوی فردای آن روز به محل اقامت اینجانب در پاریس و پخش تراکتهای علیه



تشکیلات دوزخی رجوی از هر گونه آزادی بیان و ارتباط محروم و محدود سازند و یا آنها را از افشاگری واقعیت‌هایی که درون این فرقه دیده اند و با تن و جان و روانشان لمس کرده اند بازدارند. اگر اینگونه گمان می کنند زهی خیال باطل و کور خوانده اند .

از همین جا به سران فرقه ضد انسانی رجوی که با وقاحت تمام نسبت به دادن حق پناهندگی و اقامت به ما توسط دولت فرانسه با توهین به حاکمیت این کشور و دخالت در امور آن اعتراض می کنند می گویم که :

اولاً اینجا سرزمین اربابان صدام حسین نیست .

ثانیاً زمان دیگر نه در عراق و نه در اروپا زمان دولت در دولت بودنتان نیست که با دخالت‌های فرقه گرایانه و تروریستی در امور داخلی فرانسه همچون دخالت‌هایتان در عراق برای دولت فرانسه تکلیف تعیین کنید .

ثالثاً شماها که انواع پرونده های تروریستی و پولشویی در دادگستری فرانسه دارید در معرض لغو حق پناهندگی و اخراج قرار دارید نه ما که مشخصاً اینجانب و آقای عیسی آزاده از کمپ لیبرتی با برگه حق پناهجویی کمیساریای عالی پناهندگی به فرانسه آمدم که مهمترین مدرک مورد استناد دولت فرانسه برای پناهندگی و اقامت ما در فرانسه گردید .

رابعاً مشخصاً اینجانب به هیچوجه برخلاف تمام ورق پاره ها و یاوه نامه های مضحکی که علیه من منتشر کرده اید تازه وارد فرانسه نشده و تازه از دولت فرانسه پناهندگی نگرفته ام بلکه به دنبال بازگشتم به فرانسه از عراق حق و مدارک پناهندگی و پاسپورت و اقامت دائمی ام که از ۲۸ سال پیش همراه همسر و فرزندم داشتم یعنی وقتی در تشکیلات خودتان در همین اورسواوا بودیم توسط دولت فرانسه فقط تمدید شده

است. بخش قانونی و حقوقی خود سازمانتان پناهندگی من و همسر شهیدم و دخترم زینب را که شما او را در ۱۷ سالگی و زیر سن قانونی بدون اجازه من از فرانسه ربوده و به عراق برده و تا کنون اسیر دست شما می باشد پیگیری کرده و امور مربوط به وکالت و ترجمه و راهنمایی در رابطه با آن را انجام می دادید حالا خودتان خنده تان نمی گیرد که به دولت فرانسه می گوئید فلانی «وارد فرانسه شده و چگونه و چرا به او پناهندگی داده اید؟»!!! چطور آن موقع که با شما در اینجا بودم و پناهنده بودم حق پناهندگی داشتم بعد که با خود شما به عراق رفتم و بخش اعزام شما مرا بدون استفاده از پاسپورت فرانسوی که داشتم و قاچاقی (به علت اینکه نمی خواستید دیگر به فرانسه برگردم) به عراق بردید و با شما و در تشکیلات شما ۲۴ سال در عراق بودم حال که به فرانسه با همان مدارک پناهندگی و اقامت و پاسپورت که داشتم برگشتم و دولت فرانسه که کاملاً در جریان جزء به جزء کارهای شما می باشد پرونده پناهندگی مرا که از همان موقع در بایگانی شما بود تمدید کرده است فقط چون دیگر با شما نیستیم و به افشای عملکردهای ضد ملی و ضد انسانی رهبری تان می پردازم با توهین به حاکمیت فرانسه و اهانت به شعور فرانسویان به نحو مسخره ای و با وقاحت تمام می گوئید: چرا و چگونه به فلانی پناهندگی داده اید؟...!!

تمام این دروغها و تهمت‌ها و یاوه های ساختگی علیه ما و فریبکاریها و اهانت‌هایتان به دولت و ملت فرانسه دقیقاً به ضد خودتان و جرمی دیگر از جرمهای حقوقی و قضائی شما شده و پرونده تان را در قضائیه فرانسه بیش از پیش سنگین کرده است.

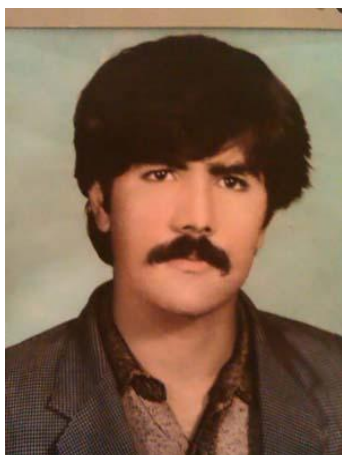
فرقه رجوی با پخش
تراکتهای دروغ و
تهمت علیه جدا شدگان
در فرانسه و توهین به
حق حاکمیت دولت
فرانسه پرونده اش را
سنگین تر ساخت
قاضی ضد تروریست
فرانسه شکایت
اینجانب را ضمیمه
پرونده ابریشمچی کرد

حضرات تروریست پناه گرفته در قلعه اورسورواز که امروز به جرم اعمال تروریستی محاکمه می شوید لطفاً فرافکنی نکنید و همه را به کیش خودتان نپندارید. تمام این دروغها و یاوه هایی که علیه اینجانب سرهم بندی کرده و می کنید بارها در همان سال اول بازگشتم به فرانسه یعنی سه سال پیش به گوش مقامات ذیربط مهاجرت و امنیت فرانسه خواندید و اینها اصلاً برایشان تازگی ندارد آنها همان موقع با مصاحبه هایی که با اینجانب کردند و وقتی مدارک قدیمی پناهندگی و اقامت و پاسپورت فرانسوی مرا دیدند و به بایگانی خودشان مراجعه کردند و دیدند که ۲۸ سال پیش با مسئولین خود شما برای گرفتن پناهندگی پیششان می آمدم و به سابقه اقامت و پناهندگی و عضویت من در بخشهای سیاسی و مطبوعاتی و انتشاراتی و ترجمه در سازمان شما در همین فرانسه و بعد هم در عراق واقف شدند از ته دل به یاوه های شما قاه قاه خندیدند و بیش از پیش به خصلت دروغگویی و فریبکاری شما پی برده و درست بر عکس پندارهای واهی شما با اطمینان و اعتماد بسا بیشتر حق پناهندگی و اقامت مرا تأیید کرده و مدارک قبلی ام را تجدید و تمدید کردند. و بعد از این نیز بر اثر تجاربی که مسئولان فرانسوی با فریبکاریها و اعمال و جرمهای شما دارند به جداشدگان از سازمان شما بیشتر و زودتر حق پناهندگی و اقامت داده و می دهند. لذا آن جنابان فقط عرض و آبروی خود می برید و زحمت ما می دارید!! وعده دیدارمان با شما هنگام محاکمه سردمدارانان در دادگاه ضد تروریستی پاریس .

شمارا بعداز بیست ونه سال نگهداری کرده می روم
ودر آغوشم میگیرم وبا عکس شما صحبت و درد دل
می کنم و آرامش می گیرم.

پدر عزیزم شما اسم مرا از قرآن انتخاب کردید همیشه
شمارا به صاحب قران سپردم که شما را حفظ کند پدرم
من وجود شما را در زندگیم می خواهم نه برای اینکه
شرایط زندگی بهتری برایم محیا کنید نه من فقط می
خواهم سایه شما بالای سرم ومادرم باشد .

چهار سال است که مادرم دیالیز میشود وهشت سال
است که بینایی چشم راستش را از دست داده ودر نبود
شما بیماری مادرم شدت گرفته واکنون ۲۹ سال است
که مادرم با بیماری دیابت مبارزه می کند ومن
همیشه سعی خودم را کردم که از مادرم مواظبت کنم
ودختر قوی ومحکمی باشم مشکلاتم را خودم حل کنم
درد از هرطرف درد میشود ولی من در مقابل هر دردی
با مشکلات مقاومت می کنم .



من بهترین مادر دنیا را دارم که در زندگی تمام سعی
خودش را کرده که من در زندگی کمبودی را احساس
نکنم ولی جای شما در زندگی من ومادرم خالی بوده
وهست وهیچوقت نتوانستم خودم را فقط بادیدن
عکسهای شما قانع کنم وسرگرم زندگی بشوم وقتی در

خدایا من فقط پدرم را می خواهم

اردیبهشت ۱۳۹۴ | انجمن نجات مرکز قزوین



با عرض سلام من دختر آقای جعفر شهریاری ندا
هستم. پدرم در زمان جنگ تحمیلی ایران وعراق به
خدمت سربازی رفت . ولی متاسفانه در تاریخ ۶۶/۷/۸
روز چهارشنبه در منطقه عملیاتی قصر شیرین سر پل
ذهاب در درگیری با دشمن بعضی به اسارت در آمد .
این مطالب بنا به اظهارات یکی از هم رزمانش می
باشد.

در آن زمان من فقط یک سالم بود . پدرجان یک
تابستان یک پائیز ، زمستان و بهار کنارم بودی ومرا
دیدى. پدرم دقیقاً چهره ی آن زمان شما یادم نیست
مهر ومحببت شمارا که مادرهمیشه از آن تعریف می
کند احساس نکردم .وقتی کسی را در قلبت بی اندازه
دوست داشته باشی آن هم تورا به همان اندازه دوست
خواهد داشت .پس مطمئن هستم همیشه دوستم
داشتید ودارید چون من همیشه قلبم برای دیدن شما
لحظه شماری می کند ومی تپد . وقتی دلم آغوش گرم
وبا محبتت را می خواهد سراغ کمدمی که مادر لباسهای



بیمارستان به من میگفتند برای امضاء پدرت را بگو
 بیاید تا پرونده مادرت را امضاء کند می خواستم که
 خودم امضاء کنم و باز میگفتند باید پدرت امضاء کند
 و مجبور میشدم بگویم من پدرم را تا به حال ندیده ام
 و در جنگ پدرم را ازدست داده ام جنگی که می
 توانست اصلاً نباشد تا پدرم کنارم باشد من فقط وجود
 شما را میخواهم حتی این نامه را که نوشتم نمی دانم
 شما زنده هستید یا نه!

بابا من فقط تنها دخترت هستم از شما خواهش میکنم
 هرکجا هستید مرا از حال و احوال خودت با خبر کن .
 من ۲۹ سال صبر کردم به امید روزی که به آغوش پراز
 مهر محبت شما برسم .

بابا جونم امیدوارم بینمت رو به روم حتی یک لحظه
 بابا آب داد بابا نان داد، غم آب و نان نبود
 گذشت روزهای کودکی و جوانیم ، غم فقط ندیدن
 بابا بود.

گاهی سکوت علامت رضایت نیست ، شاید کسی دارد
 خفه میشود پشت سنگینی یک بغض این نامه و
 درخواست دوم من از همه برادران و خواهرانی می
 باشد که شجاعانه زنجیرها و حصارهای زندان فکری
 و جسمی این تشکیلات را پاره کردند و خود را نجات
 داده اند «عاجزانه تقاضا می کنم که اگر در دوران
 اسارتتان در زندان رجوی پدرم را دیده اید و یا می
 شناسید و یا ردی از او دارید» با انجمن نجات استان
 قزوین تماس بگیرید و خانواده ای را از چشم انتظاری
 نجات دهید.

**وقتی دلم آغوش گرم وبا
 محبتت را می خواهد سراغ
 کمدمی که مادر لباسهای
 شمارا بعد از بیست و نه سال
 نگهداری کرده می روم
 و در آغوشم میگیرم وبا
 عکس شما صحبت و درد
 دل می کنم و آرامش می
 گیرم.**

فرزند جعفر شهریاری ندا

در خواست خانواده های گلستانی از نماینده حقوق بشری

۹ خرداد ۱۳۹۴ انجمن نجات مرکز گلستان



جنایت‌های سران سازمان مجاهدین در طول ۳۰ سال که از عمر نکبت بار آنها می‌گذرد، آنقدر بر خانواده‌هایی که فرزندان و یا پدران و مادران آنها در چنگال این خائنین گرفتار شده‌اند زیاد می‌باشد که برای رسیدگی به درخواست‌ها و تقاضاهای خود به هر ارگان و نهادهای مراجعه می‌کنند تا بتوانند به کمترین درخواست‌های خود از قبیل ملاقات با وابستگان‌شان در زندان‌های فرقه رجوی حتی به مدت یک ساعت و یا مطلع شدن از حال و روز آنها از طریق تماس تلفنی با عزیزانشان برسند که متأسفانه در این دنیایی که خیلی از دولتها و حکومتها فقط ادعای حقوق بشری می‌نمایند، نتوانسته‌اند به تقاضاهای انسانی خانواده‌ها جواب مثبت بدهند و آنها نسبت به آینده فرزندانشان همچنان در نگرانی هستند.

در زیر نمونه‌ای از درخواست‌های خانواده‌های آسیب دیده از سران سازمان مجاهدین که به نماینده حقوق بشر (احمد شهید) نوشته و ارسال شده را آورده ایم که البته همانطور که در بیانیه زیر نیز آورده شده

تاکنون هیچ ترتیب اثری به آن از سوی احمد شهید داده نشده که البته رویه همه کسانی است که به نوعی از وجود سازمان تروریستی مجاهدین سود می‌برند!!! با سلام حضور جناب احمد شهید (نماینده حقوق) (انسانها در تمامی دوران زندگی در کره خاکی همواره با نگرشهای مختلفی همراه بودند که شاید برخی از آنها از آزاد بودن بشریت ممانعت کرده و آزاد زیستن را از آنها سلب می‌کرده و با زیاده‌خواهی و جاه‌طلبی عده‌ای دیگر تعداد دیگری از انسانها به گروگان گرفته می‌شدند که در قرن حاضر نیز که بشریت در اوج ترقی بسر می‌برد متأسفانه شاهد چنین تمایلاتی از سوی برخی انسان‌ها هستیم که در عالم خود سیر نموده و برای رسیدن به هوسهای خود عده‌ای را گروگان و اسیر نموده‌اند که سازمان مجاهدین خلق یکی از آنها می‌باشد.

این فرقه نسل‌کش که مسعود رجوی و مریم عضدانلو از سرکرده‌های آن می‌باشند، دقیقاً همان کاری را با اسیران خود می‌کنند که در دوران برده‌داری برخی از پادشاهان مستبد با برده‌های خود می‌کردند، یعنی سرکرده‌های سازمان مجاهدین طی فرایندهای مختلف ذهن افراد را شدیداً شستشو داده و سپس آنها را برای انواع اعمال تروریستی آماده می‌کردند و در زمان حال نیز با شدیدترین فشارهای روانی این نگون‌بخت‌ها را نسبت به خانواده خود بدبین نموده و انواع تهمت‌ها را به آنها نسبت می‌دهند تا بتوانند اندک روزنه‌امیدی که برای رهایی این اسیران از طریق خانواده‌هایشان مهیا می‌شود را ببندند تا این زندانیان همچنان با وجود نهادهای حقوق بشری در جهالت بسر ببرند.



جناب احمد شهید :

با تشکر فراوان : خانواده ها آسیب دیده
از سازمان مجاهدین خلق استان گلستان

شاید روزی که عده ای از خانواده ها در مقر حقوق بشری در ژنو (در سال ۲۰۱۳) با شما ملاقات نمودند و مدارک و مستندات خود را که شامل جنایتهای سران فرقه رجوی بوده را به شما تسلیم نمودند ، امیدوار بودند که بالاترین مقام عدالت خواهی و حقوق بشری از تنها آرزوی آنها که همانا ملاقات با فرزندان شان حتی به مدت یک ساعت بوده حمایت کرده و قول مساعد داده که در گزارش خود از آنها یاد کند ولی متأسفانه با گذشت زمان این خوشحالی آنها کم رنگ شده و امید خود به نهاد حقوق بشری و شخص شما را از دست دادند.

نماینده محترم حقوق بشر :

در زمان حال نیز که مسئولین کشور آلبانی با اقامت تعدادی از اسیران سازمان مجاهدین موافقت نموده و حتی عده ای از آنها به این کشور منتقل شدند ، ولی متأسفانه شاهد کارشکنی فرماندهان این سازمان ضدبشری هستیم که دلیل آن نیز جدا شدن برخی از گرفتاران این فرقه می باشد که با دیدن دنیای آزاد توانستند راه خودشان را بدرستی انتخاب کنند و بدنبال زندگی خود بروند .

حال ما خانواده های اسیران سازمان مجاهدین عاجزانه از شما درخواست داریم تا مشکل ما را در بین ارگانها و نهادهای حقوق بشری مطرح نموده و برای رهایی این زندانیان از چنگال تروریستهای فرقه رجوی تلاش نمائید تا خدایی نکرده سران این سازمان مخوف نسبت به از بین بردن آنها اقدام نکنند .

- | | |
|-------------------------|---------------------------|
| 1- صفر محمد آق آتابای | 19- یوسف میرزائی |
| 2- حسینعلی ریگی | 20- احمد سقائی |
| 3- نادعلی ترابی | 21- حاج مهدی محمدی زاده |
| 4- حاج سخید سعیدفر | 22- فریدون قوئلو |
| 5- حجت مردانی | 23- نفس ورشی |
| 6- کامران بزاز | 24- خانم بی بی هاجر واحدی |
| 7- عبدالرحیم عابدی | 25- احمد گلعلیپور |
| 8- عبدالله قزلسفلو | 26- قربانعلی کیا |
| 9- علی خرمالی | 27- حسین زمری |
| 10- کریم خرمالی | 28- ابوالقاسم نوکنده ایی |
| 11- حسین حاجیلی دوجی | 29- حاج محمد کربلائی |
| 12- علیرضا نرگسی | 30- ابراهیم مزرگی |
| 13- علی سرایی | 31- احمد بنی عامری |
| 14- شهرام ریاحی | 32- خانم عصومه حیدری |
| 15- محمدعلی عرب | 33- محمد مهدلو ترکمانی |
| 16- محمدمهدی ناصری مقدم | 34- عباس رضوانی |
| 17- ناصر رحیم اربابی | 35- خانم عالییه پولادی |
| 18- حمید زاهد | 36- جواد شهبسوار |



دیدار انجمن نجات خوزستان با خانواده علیرضا سلیمانی اسیر در فرقه رجوی

روز جمعه مورخه ۹۴/۲/۲۵ اعضای انجمن نجات به همراه رستم آلبوغبیش با خانواده علیرضا سلیمانی در شهرستان مسجد سلیمان دیدار کردند. در این دیدار ابتدا خانواده علیرضا که سالهاست فرقه رجوی او را اسیر ذهنی و عینی خودش کرده است به اعضای انجمن خیرمقدم گفته و ابراز نمودند از اینکه می بینیم شما بخاطر نجات امثال فرزند عزیز ما تلاش می کنید بسیار ممنون هستیم.

مادر علیرضا که معلوم بود رنج دوری و بی خبری از فرزندش چهره او را بسیار شکسته کرده است گفت: وقتی سری قبل شما به منزل ما تشریف آوردید من نبودم ما برای بازگشت علیرضا اول امیدمان به لطف و یاری خداست و بعد امیدواریم به تلاش های شما در این دیدار ابتدا مسئول انجمن از مهمان نوازی و برخورد گرم و صمیمی خانواده، پدر و مادر علیرضا سلیمانی ابراز تشکر و قدردانی نموده و گفتند: امید اول و آخر همه ما به خداست و اگر هم ما در زمینه نجات امثال فرزند شما تلاش می کنیم فقط بخاطر رضای خداوند و براساس وظیفه انسانی و اخلاقی است که هر کدام از ما متعهد به آن هستیم. در ضمن ما باید از شما پدر و مادرهای رنج دیده و خانواده های خوب اسیران دربند فرقه تشکر کنیم که همواره مشوق ما برای انجام این امر انسانی و خدایی بوده اید.

بعد از آن مسئول انجمن علاوه بر بیان خلاصه ای از وضعیت اسیران و از تلاش های صورت گرفته نیز در جهت برقراری ارتباط مجدد خانواده ها با فرزندان اسیرشان در فرقه رجوی ساکن کمپ لیبرتی که می تواند زمینه ساز نجات همه آنها از سیاهی و نکبت رجوی باشد توضیحاتی ارائه دادند.

وی همچنین رستم آلبوغبیش را بعنوان کسی که بعد از ۲۳ سال اسارت در فرقه رجوی به جهت دعای خیر مادر و تلاش خانواده اش از اسارتگاه فرقه رجوی نجات یافته است را به این خانواده رنج دیده معرفی کرد.

مادر و پدر علیرضا سلیمانی که انگار فرزند خودشان را دیدند که به میهن بازگشته است به رستم گفتند خدا را شکر بسیار خوشحالیم و برایت آرزوی موفقیت داریم مادر علیرضا که اشک در چشمانش جمع شده بود به رستم گفت تو را به خدا قسمت می دهم به من بگو که اصلا پسر من زنده است یا نه؟! من سالهاست که ناراحتی قلبی دارم پدرشان هم که خودتان می بینید اوضاع مساعدی ندارد هر روز کار من شده گریه و پدرش



هم که فقط در منزل نشسته و هر وقت صدای زنگ درب حیات را می شنود داد می زند بلند شو درب را باز کن شاید علیرضا باشد، اما وقتی می بیند کس دیگری است آهی می کشد و می گوید پس کی این پسر می خواهد بیاید !! وی ادامه داد راستی کمراو خوب شده ؟ پسر برای دفاع از وطنش به جبهه رفت بعد از چهار ماه از پشت ترکیبی به او می خورد که کمرش سوراخ شده بود ، همان موقع او را برای مداوا به شیراز اعزام می کنند ولی بعد مدتی در حالیکه هنوز کامل خوب نشده بود دوباره به جبهه برگشت که بعد از مدتی اسیر می شود ولی وقتی اسراء برگشتند او برنگشت و از آن موقع به بعد هم ما خبری از او نداریم.

برادر علیرضا بخاطر اینکه بتوانم دل پدر و مادرم را خوشحال کنم از هرتلاشی برای نجات برادرم دریغ نخواهم کرد و از شما هم که بخاطر نجات امثال برادر من زحمت می کشید بسیار سپاسگزاریم.

در پایان این دیدار اعضای انجمن یکبار دیگر ضمن تشکر از مهمان نوازی این خانواده برای مادر، پدر و خانواده علیرضا آرزوی سلامتی کرده و ابراز امیدواری کردند که هر چه زود تر آنها بتوانند فرزند اسیرشان را بار دیگر در کنار خود ببینند.

اردیبهشت ۱۳۹۴

آیا امیدی هست که من بتوانم دوباره او را ببینم ؟ !
رستم آلبوغیش در پاسخ به این مادر رنج دیده گفت من سالها با پسران بدم و خوشبختانه از لحاظ جسمی مشکلی ندارد ولی در رابطه با سؤال دوم شما باید بگویم بعد از بازگشت به ایران همواره از طرف خانواده های دیگر اسیران این سؤال از من شده ، که من در پاسخ گفتم اول باید امیدتان به خدا باشد و اینکه برای آزادی آنها علاوه بر دعا باید بطور مستمر تلاش و پیگیری کرد، چون امثال فرزند شما که در فرقه رجوی اسیرند بطور واقعی شرایط یک اسیر معمولی را ندارند به همین خاطر بایستی برای آزادی و نجات آنها از چنگال رجوی تلاش کرد .
آقای سعادت سلیمانی برادر علیرضا گفت باور کنید جدای از غم و ناراحتی خودمان ، دیدن رنج و عذاب پدر و مادرم و واقعاً دردناک است و قطعاً من بعنوان

ضرب و شتم آقای منصور نظری توسط چاقوکش های مریم قجر عضدانلو در کشور فرانسه

خرداد ۱۳۹۴

که هیچ بلکه آنها را در نزد ایرانیان خارج و مردم فرانسه بیش از پیش رسوا و افشا نموده و پرونده تروریستی سردمدارانشان از حمله مهدی ابریشمچی را در فرانسه سنگین تر می کند و ماهیت تروریستی شان را هر چه بیشتر برملا ساخته و جدا شدگان را نیز هر چه بیشتر در ادامه راهشان و افشاگریهایشان مصمم تر می سازد .



حمله تروریستی فرقه رجوی به دوستان آقای

منصور نظری را محکوم می کنیم

اطلاع حاصل کردیم که بعد از پایان برپایی

آکسیون جدا شدگان سازمان مجاهدین در پاریس

در حمایت از دادگاه محاکمه مهدی ابریشمچی

روز پنجشنبه ۷ ماه می مزدوران و چاقوکشان

رجوی دوست عزیزمان آقای منصور نظری را در

حال بازگشت از محل آکسیون و عزیمت به شهر

محل اقامتش در فرانسه مورد ضرب و شتم قرار

داده و او را از ناحیه گلو زخمی کرده اند .



منصور نظری از ناحیه گلو مورد ضرب و شتم
از طرف چاقو کشان مریم رجوی قرار گرفت

چماقداران و چاقوکشان لات و لمپن مریم قجر

باید بدانند که اینگونه کارهای وحشیانه و

تروریستی شان در جهان آزاد برای بستن دهان

جدا شدگان و ترساندن آنان و بازداشتشان از

افشاگری علیه فرقه رجوی سودی برایشان ندارد

فرقه رجوی گروهی تروریستی

۲ خرداد ۱۳۹۴

فرقه رجوی جریانی است که ترور را به معنی تام نهادینه می کند و تار و پود آموزشهای ایدئولوژیکی و تشکیلاتی اش گواه این مدعی است ، با نگاهی گذرا به ترورهای کور که در داخل کشور انجام شد داشته باشیم خواهیم دید که بیش از ۱۷۰۰۰ نفر از شهروندان و مقامات سیاسی کشور را که در مواجهه با گروههای تروریستی از دست داده ایم بیش از ۱۲۰۰۰ نفر توسط فرقه رجوی ترور شده و مابقی نیز توسط دیگر گروهها از جمله مارکسیست ها ، فرقان ، کوموله ، جندا... (عبدالمالک ریگی) و ... به شهادت رسیده اند.



این فرقه ، پس از انجام عملیاتهای تروریستی متعدد در ایران ، در جریان جنگ ایران و عراق ، با حمایت حکومت صدام در عراق مستقر شد و البته در آمریکا و کشورهای اروپایی نیز به فعالیت های خود علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه دادند. در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ، این سازمان با استخبارات عراق ، همکاری تنگاتنگی داشته و ماموریتهای اطلاعاتی را برای عراقی ها در خاک ایران به انجام می رسانده است "مسعود رجوی رهبر فرقه" در

دیدار با طاهر جلیل حبوش رئیس سرویس اطلاعاتی حزب بعث عراق چنین می گوید :

رجوی : ما نمی خواهیم طوری شود که دشمن با انجام عملیات ما را ضعیف نماید و بگوید آنها آلت دست دشمن مان هستند و سازمان تبدیل به بخشی از گارد ریاست جمهوری عراق شده است و این را به نیروهای آمریکایی ، سازمان عفو بین الملل و همین طور شورای امنیت ارائه دهند.

طاهر جلیل حبوش : ما اختلافی بر روی این مطلب نداریم.



رجوی : به عنوان نمونه ۱۰ عملیات را اجرا کردیم تا در سطح بین المللی و داخل ایران مشروعیت داشته باشیم زمانی که آقای معاون رئیس جمهور اظهار داشت: "عملیات متوقف شده است" ، شما شاهد بودید که من لرزیدم و با خودم فکر کردم چرا؟؟ مجاهدین توانایی آن را دارند بدون اینکه ادوات زرهی با خود حمل کنند ، در هر زمان و هر مکانی به منظور اجرای عملیات اقدام نمایند و در انتخاب سوژه و مکان آزادند فقط با شما توافق کردیم که ماهیت اقدام علی الظاهر نباید نظامی باشد همانطور که نباید از خودروهای نظامی استفاده گردد ، عملیات برعهده مجاهدین خواهد بود و آنچه لازم است توسط دستگاه اطلاعات تهیه شود.

یکی از افسران اطلاعاتی خطاب به طاهر جلیل حبوش: موردی که برادر مسعود به آن اشاره کردند به این صورت است که دستجات مجاهدین، در قالب سه یا چهار نفره و نه به صورت گروهی، به خاک ایران وارد شده و با خمپاره یا موشک و ... به هدف ها یورش می برند و پس از آن باز می گردند. ما به آنها کمک لجستیکی و تجهیزاتی می کنیم و اطلاعاتمان را در اختیارشان قرار می دهیم."

این فرقه پس از درپیش گرفتن فاز مسلحانه و برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، به اقدامات تروریستی روی آورد. این سازمان علاوه بر اینکه، در این مدت به ترورهای کور و بی هدف مردم بی گناه کوچه و بازار می پرداخت به ترور شخصیت های سیاسی نظام نیز روی آورد. که نمونه انفجار دفتر حزب جمهوری در ۷ تیر سال ۶۰ و شهادت آیت الله بهشتی و ۷۲ تن از یارانش و همچنین بمب گذاری در ساختمان نخست وزیری بود که منجر به شهادت محمدعلی رجایی به عنوان رئیس جمهور و محمد جواد باهنر به عنوان نخست وزیر وقت کشور بود.



انفجار دفتر روزنامه حزب جمهوری خمینی
روز سه شنبه ساعت ۲/۳۰ بعد از ظهر دفتر
روزنامه ی حزب جمهوری مور د تنها جم
قرار گرفت . این عملیات بوسیله ی ۳ تن! زراد ران
مجاهد بوسیله ی بمب های دست ساز و رگبار
مسلح صورت گرفت .

مسعود رجوی رهبر فرقه در دیدار جداگانه دیگر با طاهر جلیل حبوش رئیس سرویس اطلاعاتی حزب بعث عراق چنین می گوید؛ من از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵ همانطور که می دانید در فرانسه بودم. در آن سال ها

دشمنی با ما به این گونه نبوده است. کسی به ما تروریست نمی گفت، در حالی که هم کاخ سفید و هم کاخ الیزه که باهاشون در ارتباط بودیم می دونست حزب جمهوری اسلامی را چه کسی در ایران منفجر کرده و چه کسی و چه جریانی رئیس جمهور و نخست وزیر ایران را از بین برد. آنها خوب می دانستند ولی ایدا به ما تروریست نمی گفتند."

فرقه رجوی که پس از این اقدامات در دهه ۶۰، برای مدتی، حرکت های تروریستی و ورود تیم های نظامی به داخل کشور را متوقف کرده بود، از سال ۱۳۷۷، دوباره فاز جدید تخریب و ترور را شروع کرد. روز سه شنبه ۱۲ خرداد ۷۷، سازمان یکسری عملیات تخریبی جدید را از طریق بمب گذاری و خمپاره اندازی در ۳ نقطه تهران با عنوان "سرآغاز مقاومت مسلحانه انقلابی" صورت داد.

از دیگر اقدامات تروریستی این فرقه ترور سرلشکر صیاد شیرازی بود که در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ انجام گرفت. در همان روز، سازمان مجاهدین طی اعلامیه ای اعلام کرد که این ترور توسط یکی از تیم های عملیاتی آنان صورت گرفته است.

مسعود رجوی رهبر فرقه در دیدار با طاهر جلیل حبوش رئیس سرویس اطلاعاتی حزب بعث عراق چنین می گوید:

رجوی: درباره آنچه در خصوص عملیات و انجام نیافتن آن از طرف سازمان گفته شده است باید بگویم به دنبال عملیات صیاد شیرازی و بازگشت از آن، برادران در سرویس اطلاعات خواستار اجرای برخی عملیات از ما شدند که ما با همه آنها موافقت نموده و

می توان به اسامی مانند : مجید حریری ، حسین محمدی ، مجتبی میر میران ، داود احمدی و اسامی متعدد دیگری اشاره کرد که توسط عوامل تروریستی سازمان ، تصفیه درونی شدند و ترور شدنشان ، همگی از سوی سازمان به خودکشی یا حادثه ، اعلام گردیده است.

با بررسی کارنامه این فرقه ، می توان سازمان مجاهدین را به عنوان یک سازمان کاملاً تروریستی نامید که اغلب نیز ترورهای خود را به طور رسمی اعلام می دارند. در سالهای ۶۱ و ۶۰ ، علاوه بر تهران و شهرهای اطراف آن ، تعداد کثیری از مردم بیگانه در نقاط مختلف کشور ، مورد حمله تروریستهای مسلح خود قرار دادند که ذیل به نمونه هایی از آن را مشاهده می کنید:



در کرمانشاه و دزفول اجرائش کردیم . پس از آن هم کاردار عراق در تهران در مصاحبه ای با روزنامه رسالت بر ضد ما حرف زده و این عملیات را محکوم کرده و آن را اقدامی تروریستی و ناجوانمردانه تلقی کرده است **طاهر جلیل حبوش** : شما با داستان ما آشنایی دارید . ما چیزی در عراق نداریم ، ما بهای هدف های مان را می پردازیم . چنانچه در برابر دشمن کوتاه می آمدیم اوضاع مان حالت دیگری پیدا می کرد . آنگاه که من دستور این عملیات را دادم ، پر واضح است که اعلام این مطلب و اظهار نظر کاردار عراق در تهران تاکتیکی است .

علاوه بر موارد مذکور ، می توان به ترورها و تصفیه های درون گروهی این فرقه اشاره داشت که از بدو تاسیس و شروع فعالیت آن این امر در سازمان شایع بود. به عنوان مثال در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۴ ، مجید شریف واقفی ، در پی ایستادگی بر مواضع اسلامی خود و نپذیرفتن مواضع جدید برخی رهبران سازمان ، به دست سران این گروه ترور شد ، بنا به گفته بعضی از اعضای سازمان ، مجید شریف واقفی به این دلیل کشته شد که مخالف تروریسم بود و آدمکشی را مغایر تعالیم عالیه اسلامی دانست.

از سوی دیگر ، پس از ادامه فعالیت های سازمان در خارج از کشور ، این سازمان سیاست ترور درون گروهی را در برابر اعضای ناراضی و معترض خود ، در پیش گرفت و افرادی که ناراضی و منتقد بودند ، به طرق مختلف ، مورد آزار قرار گرفته ، محاکمه و زندانی شده و در مواردی به طور غیر مستقیم اعدام می شدند و در حقیقت ترور شده اند و این حوادث ، از سوی این فرقه ، به عنوان خودکشی اعلام شده است که در این میان

علاوه بر این اینکه ، اقدامات تروریستی این سازمان در داخل کشور به شدت محکوم گردیده است و این سازمان ، هیچ گونه پایگاه مردمی و اجتماعی در داخل ایران ندارد.

رسانه های غربی بعد از خروج نام فرقه رجوی از لیست گروههای تروریستی کشور آمریکا جان تازه ای برای تبلیغ در حمایت از این گروهک تروریستی گرفته اند. این رسانه ها در هجمه تبلیغاتی جدید خود سعی دارند بگویند که این فرقه بعد از خروج از عراق و در کل بعد از خروج از لیست گروههای تروریستی آمریکا دیگر کار ترور را کنار گذاشته اند!

اما نکته قابل توجه در رابطه با این فرقه اینکه زندگی این افراد قبل از این ، همراه با جنگ و ترور بوده است! به عبارتی اعتراف جالب روزنامه ها و رسانه های اروپایی به این نکته که ذات این گروه تروریستی ، جنگ طلب و تروریستی است قابل تأمل است.

آنتوان گسler روزنامه نگار سوئیسی در رابطه با این فرقه چنین می گوید : من از سال ۱۹۸۱ سرگرم تحقیق راجع به این گروه و به خصوص ، انحرافات آن هستم. به عقیده من ، سازمان مجاهدین را فقط با ارتش سرخ ژاپن می شود مقایسه کرد که افراد خود را به محض پیدایش کمترین اختلاف نظر ایدئولوژیک به قتل می رساند.

وینس کانیسترارو (Vince Cannistraro) رئیس سابق بخش مقابله با تروریسم سیا گفت : « مجاهدین خلق به عنوان بازوی سرویس اطلاعات موساد در ترور ، استفاده می شود » .وی گفت مجاهدین خلق مسئول انجام دادن « ترور با موتورسیکلت برای اهداف

در طی این سالها ، افراد بی گناه زیادی، در جریان این ترورهای کور ، در محل کار و تحصیل خود هدف گلوله های سازمان قرار گرفتند. **مسعود رجوی رهبر فرقه ، خود مدعی است که از سال ۱۳۶۰ تا ۶۱ مجاهدین تعداد دوازده هزار تن از نیروهای جمهوری اسلامی را ترور کرده است. همچنین بنا به گزارش منابع فرقه در سال ۶۶ و بعد از تاسیس ارتش سازمان ، مجموعاً ۲۳ بار عملیات نظامی در منطقه نوار مرز ایران و عراق با کمک و پشتیبانی ارتش رژیم صدام ، صورت گرفته است. البته می توان اشاره کرد که سازمان از طریق ارائه آمار در پی اغراق و بزرگنمایی به منظور ترسیم یک چهره مقتدر ، فراگیر و توانمند از خود بوده است ولی این امر به خودی خود ماهیت تروریستی این سازمان را بیش از پیش افشا می کند.**



ایرانی هستند که اسرائیل انتخاب می کند. آنها برای آموزش به اسرائیل می روند و اسرائیل به آنها دستمزد می دهد.

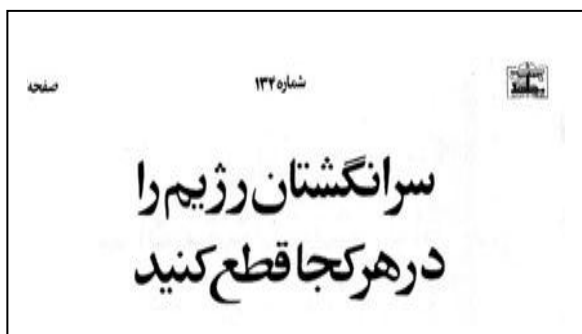
ریچارد سیلورستین روزنامه نگار و وبلاگ نویس مشهور یهودی در مقاله ای که در وبلاگ خود منتشر کرده است، گروه مجاهدین را یک فرقه سیاسی خواند که از راه ترور کسب درآمد می کند.

تحلیلگر سیاسی لبنانی مقیم استرالیا حسین الدیرانی در گفتگویی با خبرنگار سایت «اشرف نیوز» گفت: همه می دانند که این سازمان تروریستی یک سازمان مزدوری است که توسط صدام حسین برای سرکوب قیام شیعیان و جنگ با کردها در شمال عراق و حمله بر خاک ایران مورد استفاده قرار گرفت و امروز نیز برای جنگ علیه سوریه همچنان دست به دست مورد استفاده قرار می گیرد.

فرقه رجوی پس از حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور توسط آمریکایی ها خلع سلاح شد از آن به بعد می توان این فرقه را همانند یک مار خوش خط و خال بدون نیش تشبیه کرد.

چندی است که مجاهدین درخواست مسلح شدن را به شعار اصلی خود تبدیل کرده اند و ناامیدانه در پی این امید واهی اند. این در حالی است که در موافقتنامه امضاء شده بین تک تک نفرات فرقه با نیروهای آمریکایی، که همزمان با اعلام موقعیت قانونی اعضای فرقه در اشرف صورت گرفت، همه ساکنان اشرف، خشونت و حمایت از تروریسم و هرگونه مشارکت در آن را رد نموده و تأکید کردند، به طور غیرقانونی مسلح نخواهند شد.

تاکید رجوی و فرقه اش مبنی بر اینکه به طور غیرقانونی مسلح نخواهند شد دلالت بر این معنی دارد که آنها نه بخواست و اراده خود که تحت شرایط ناگزیر خلع سلاح شده و همه اقدامات تروریستی خود را متوقف کرده اند.



فهم این معنی که رجوی به اقتضای شرایط منطقه و عراق و سقوط اربابش صدام حسین تن به خلع سلاح داد و همچنین تغییر لفظی و غیر شفاف کنار گذاشتن استراتژی مسلحانه را در دستور سیاسی کاری های خود قرار داده، چندان دشوار نیست. بنابراین متوقف کردن ادعای اقدامات تروریستی از سوی رجوی نیز تابع چنین مقتضیاتی است و گر نه چنان که از این شعار و درخواست مجاهدین بر می آید استراتژی مجاهدین کماکان مبتنی بر استفاده از اقدامات خشونت آمیز و تروریستی است. رجوی بارها خطاب به آمریکایی ها تأکید کرده است روی ارتش او یعنی همان ساکنین قرارگاه اشرف به مثابه یک اهرم نظامی و ارتش پیاده حساب ویژه باز کنند. در واقع او غیر مستقیم مسلح شدن دوباره ساکنین اشرف را به خواست و تصمیم آمریکا مشروط کرده است. حقیقت این است که اگر به محتوا و کلمه به کلمه اظهارات رجوی توجه و روی آن تعمق شود مستندات قانونی و دلایل موجه بسیاری برای تصمیم دولت عراق مبنی بر تحمل ناپذیری اش از حضور مجاهدین در عراق پیدا خواهیم کرد. بنابراین

وقتی رجوی فرض مسلح شدن دوباره مجاهدین را به هر طریق ممکن محتمل می شمارد ، فی نفسه :

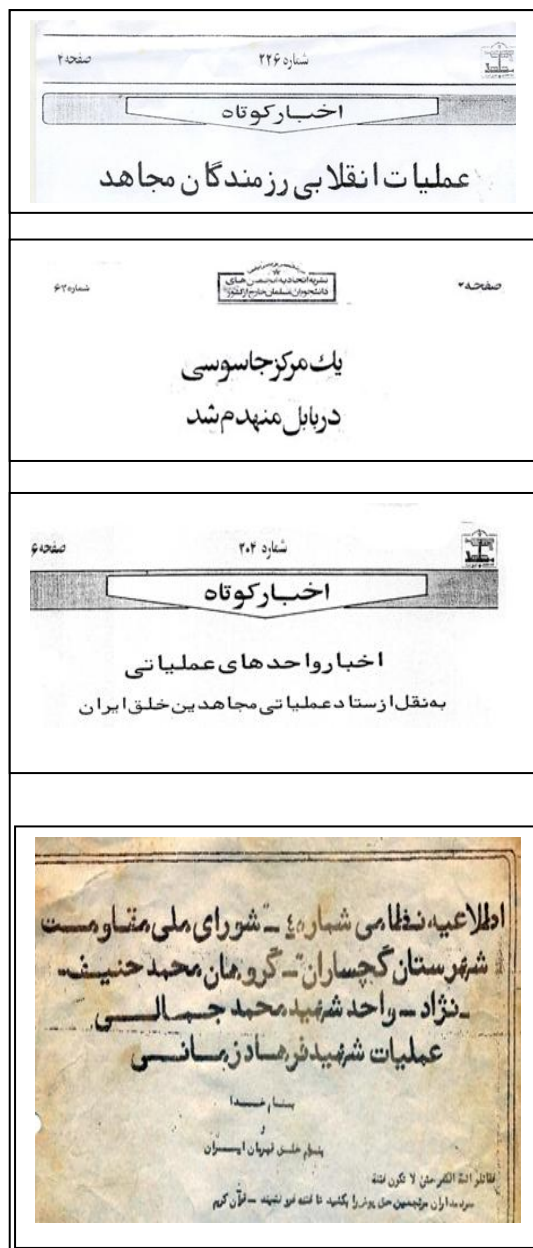
- دلیل کافی و قانونی برای اخراج مجاهدین از خاک عراق مهیا می شود.

- کذب بودن ادعاهای مجاهدین مبنی بر کنار گذاشتن مشی خشونت آمیز و استراتژی مسلحانه آشکار می شود .

- ادعای عدم مداخله در امور داخلی عراق به خودی خود نقض می شود.

- واهی بودن متحد استراتژیک بودن مجاهدین ، با مردم عراق بر ملا می شود.

در پایان یادآور می شوم در یکی از نشستهای عمومی مسعود رجوی خطاب به اروپاییان و آمریکایی ها گفت : آقایان فکر نکنند ما که کت و شلوار می پوشیم و کراوات می زنیم ، می توانند هر کاری خواستند با ما بکنند و هوای ایران را داشته باشند. اگر دست به کار شویم یک تروریستهای می شویم که دیگر از دست ما امان نخواهند یافت. (کف وسوت زدن حضار برای رجوی و در مقابل خنده و قهقهه ی رجوی) (در ادامه رجوی با همان خنده اش از جمعیت می پرسد: شما تروریست هستید؟ حضار با صدای بلند می گویند: بله.



فویای خانواده ها، باند رجوی را دچار جنون کرده است!

۳ خرداد ۱۳۹۴



دغدغه ی اصلی فعلی فرقه ی رجوی ، حضور چند ده خانواده در اطراف کمپ لیبرتی است که با تحمل خطرهای زیاد و گرمای عراق ، به آن کشور نا امن مسافرت کرده و با جان و دل درخواست ملاقات با عزیزان دربند خود هستند.

در این میان بخش اروپایی این تشکل مخوف و مخرب نیز با شدت تمام بکار افتاده و ضمن تماس با اعضای خانواده ها و معرفی خود بعنوان دوستان برخی از این اسرا و یا با ادعای اینکه آنها هم در لیبرتی عزیزی دارند که میخواهند ملاقاتشان کنند و یا مادر ۸۰ ساله ی خود را؟! از ایران بدانجا اعزام دارند، میخواهند بدانند که آیا آنها هم قصد سفر به لیبرتی عراق را دارند یا نه!

هدف این تماس های تلفنی ، باخبر شدن از میزان

مراجعات آتی خانواده ها به لیبرتی و درخواست ملاقات است تا رهبران باند رجوی، برنامه های درخور میزان افرادی که مترصد حضور در کنار درب لیبرتی هستند، ترتیب داده واز وقوع مخاطرات؟!؟! بیشتر جلوگیری نمایند!

آیا از عجایب زمان نیست که گروهی که خود را قرار گرفته درنوک پیکان تکامل بشری دانسته و خویشتن خویش را قدرتمند ترین و تنها آلترناتیو جمهوری اسلامی اعلام میکنند، اینهمه ترس و وحشت از حضور چند نفر اعضای خانواده در لیبرتی بنمایش گذاشته و خواب و خوراک را بر خود حرام کرده باشند؟!

دلایل این ترس وحشت بشری زیر میتواند باشد:

۱- این خانواده ها حرف منطقی دارند که ملاقات

شونده را دچار آنچنان تحول میکنند که سبب ریزش نیرو در فرقه ی رجوی گردند و این امر نشان میدهد که اعضای دربند فرقه چگونه در بیخبری و عالم هیپروت ناشی از هیپنوتیزم حقه با زانی مانند مسعود رجوی قرار دارند که با حضور در یک ساعت گفتگوی خانوادگی ، از این حالت هیپنوتیز خارج شده و صفوف آهنین؟! و بهم چسبیده شده توسط رجوی ها را ترک میکنند !

آیا آن جلال و جبروتی که رسانه های باند مافیایی رجوی ادعا دارند، باین سادگی فرو می ریزد؟!

۲- مکان ضعیف تر دیگر در این مورد آنست که رهبری بلعندگان سازمان مجاهدین، دچار فویا شده اند!



فوبیا به آن نوع مرض روانی گفته میشود که انسان از چیزهای عمل غیر خطرناک می ترسد و انواع متعدد دارد: وحشت ازدیدن یک گربه، ترس از ارتفاع، ترس از یک مار آبی که سمی ندارد، ترس از حضور در یک جمع و.... که بنظر می رسد فوبیا و ترس رجوی ها از نوع دیدار اعضایش با خانواده هاست ترس از حضور در جمع! اگر حالت اول درستتر است، که ظاهرا اینطور بنظر می رسد، رجوی و گماشتگان دست اولش باید نشسته و بحال خود گریه کنند!

در صورت درست بودن حالت دوم، کسی جز روانپزشک، قادر به حل این مشکل رجوی نیست والبته ممکن است که روانپزشک مربوطه توصیه ی قرار دادن تدریجی خود در این موقعیت های بظاهر ترسناک باو بکند و مثلاً بگوید که این ملاقات ها را برای مدت کوتاهی تحمل کند و بتدریج بر طول این ملاقات ها بیافزاید و عملاً تجربه کند که آسمان به زمین فرود نیآید! اگر درست بخاطر داشته باشیم، نام این نوع روان درمانی را روش " خیال ترسیده " می نامند که در عمل هم نتایج خوبی داده و ممکن است که رجوی باکار بست این متد، احتیاجی به مراجعه به روانپزشک ندارد تا مقام خود ساخته و مریم پرداخته ی " خدائی " اش هم لطمه نبیند!

موضوع دیگر، آوردن اسرایی است که در عملیات متعدد ارتش رجوی و صدام بر علیه کشور گرفتار شده، در عملیات فروغ جاویدان شرکت نموده و آنگاه بطور عجیبی ادعا هم دارند که عضو سازمان نبوده اند و با خواهش و تمنا و علیرغم بی میلی سازمان؟! خودشان را وارد مناسبات کرده اند و رجوی منت بزرگی بر سر آنها گذاشته که امکانات افتخار تشریف شان را فراهم کرده تا آنها با حضور دایمی اسارت گونه در اشرف ولیبرتی و قطع تمامی ارتباطات خود با جهان خارج، به علم و دانش هوایی!! و فضایی (زمینی که مقدور نبوده) مسلط شده، تئوری انقلاب را یاد گرفته و عنقریب وطن خود را آزاد نموده و مناسبات برده داری و مراد و میریدی در کشور برقرار کنند تا شهرت طلبی و شهوت رانی - های رجوی در پوشش آن قرار گیرد!

نوشته ی " رژیم کشتی شکسته، آویخته بر تخته پاره " آقای شهاب چنگایی که جزو یکی از این اسرای مورد بحث است، در ادامه ی نوشته هایی است که باب روز فرقه ی رجوی شده تا او هم ضمن تکرار حرف های اخیر چند تن از هم سرنوشتانش، به خانواده ها بگوید که پدر و مادر او همان ها نیستند که در ایران زندگی میکنند بلکه مریم و مسعود است و هر کس غیر آنها، قدم که به درب لیبرتی بگذارد، پایش قلم خواهد شد!



گرامیداشت سالگرد ترور و خشونت توسط مجاهدین خلق

خرداد ۱۳۹۴

طبق معمول هر ساله فرقه رجوی در آستانه سی خرداد در حال تدارک بزرگداشت سالروز خشونت و ترور در ویلپنت پاریس می باشد و باز هم سخنران اجاره ای و سالن اجاره ای و نفرات اجاره‌ای از آفریقا و افغانستان و کشور های مختلف برای برگزاری این مراسم رسوا و تکراری در پاریس.

اما من می خواستم از خانم رجوی بپرسم که مگر شما همواره نمی گوئید که خواستار تقویت جبهه ضد بنیاد گرایی و آزادی و برابری و عدالت اجتماعی هستیید؟ آیا یک سازمان انقلابی و مبارز و دموکراسی خواه و بقول شما ضد بنیاد گرایی و ترور و خشونت ؛ همه ساله سالروز خشونت و ترور را گرامی می دارد؟ و آیا چنین سازمانی که اصرار می ورزد روی استراتژی ترور و خشونت میتواند دمکراتیک و ضد بنیاد گرایی باشد؟ و آیا چنین سازمانی که نقض فاحش حقوق بشر در داخل مناسبات قرون وسطایی اش بیداد می کند می تواند مدافع سرسخت آزادی و عدالت اجتماعی و حقوق بشر باشد؟ آیا سازمانی که زنان را در مناسبات فرقه گرا یانه اش مجبور به ترک شوهر و فرزندان خود کرده است و

رهبری این سازمان فرقه گرا زنان را مورد اذیت و آزار جنسی قرار داده است می تواند دم از رهایی زنان بزند و خود را مدافع سرسخت حقوق زنان و جنبش زنان در ایران بداند؟ آیا چنین سازمانی که از یک طرف مدعی است که دمکراتیک ترین گروه سیاسی و انقلابی و تنها آلترناتیو رژیم ایران می باشد و از جانب دیگر فرد شماره دو آن یعنی آقای مهدی ابریشم چی به جرم اعمال تروریستی در حال محاکمه باشد و همچنین همه ساله سالروز خشونت و ترور را در سالن ویلپنت پاریس گرامی بدارد ؛ می تواند ضد بنیاد گرایی و تروریست باشد و از پایگاه مردمی برخوردار باشد؟ و سوال آخر اینکه خانم مریم رجوی شما این همه پول را از کجا آورده اید که همه ساله با خرجهای کلان چنین مراسمی را بر گزار می کنید؟ البته پاسخ همه این سوالات واضح و روشن است چون که سازمان مجاهدین خلق یک سازمان انقلابی و سیاسی نیست بلکه همواره وابسته به سرویس های اطلاعاتی دولت های غربی و اسرائیل و کشور های عربی نظیر عربستان سعودی می باشد و حتما هم از جانب آنها



در کمپ لیبرتی عراق باشید و آنها را از آنجا آزاد و به کشورهای امن ثالث منتقل کنید.

تامین مالی می شود و به همین دلیل هم نه تنها از هیچ پایگاه مردمی در بین مردم ایران برخوردار نیست بلکه به سبب خیانتها و جنایاتی که علیه مردم ایران مرتکب شده است به شدت مورد تنفر و انزجار آحاد ملت ایران است. بنابراین من به خانم مریم رجوی رییس جمهور مادام العمر و برگزیده شوهر فراری اش توصیه می کنم که برگزاری چنین خیمه شب بازی ها با خرجهای کلان و سخنران های اجاره ای و نفرت اجاره ای از آفریقا و افغانستان و کشور های مختلف هیچ فایده ای ندارد بلکه باعث سرعت بخشیدن به مسیر نابودی و فروپاشی کامل تشکیلات قرون وسطایی تان خواهد شد. لذا بهتر است که بجای این کار های پوشالی و تکراری به فکر نجات جان نیروهای گرفتار در کمپ لیبرتی در کشور ناامن عراق باشید و همچنین سعی کنید که جلوی ملاقات حضوری خانواده ها با عزیزان شان در آنجا را نگیرید و یا سعی نکنید که در کمپ تیرانا دنبال راه اندازی اشرف جدید باشید ؛ بلکه آن نیروهای رها شده از کمپ لیبرتی را به حال خود بگذارید تا آزادانه برای ادامه زندگی و آینده خود تصمیم گیری کنند. امید است که چنین کنید و با یک سوم از این پول هایی که صرف چنین مراسمی می کنید و به فکر سفر های آنچنانی خود باشید به فکر نجات جان نیروهای گرفتار

**خانم مریم رجوی شما
این همه پول را از
کجا آورده اید که همه
ساله با خرجهای کلان
چنین مراسمی را بر
گزار می کنید؟ البته
پاسخ همه این
سوالات واضح و
روشن است چون که
سازمان مجاهدین
خلق یک سازمان
انقلابی و سیاسی
نیست بلکه همواره
وابسته به سرویس**

گردهمائی برای خیانت بزرگ

دشمن مواضع خود را در درون خاک ایران محکم تر نمود، در نتیجه تعداد بیشتری از سربازان ما در جبهه - های جنگ از بین رفتند.

در همان دوران اینجانب در اردوگاه اسیران جنگی در شهر موصل بودم، برای حمایت از مجاهدین و جنگ مسلحانه در درون کشور عراق با تمام توان دستگاه تبلیغاتی خود را براه انداخته بود، فرمانده اردوگاه سرهنگ فیصل مزدور آدمکش که بعداً به درک واصل شد افسران خود را به درون اسیران ایرانی گسیل کرده بود تا روحیه اسیران را تضعیف کنند، بلند گوهایی اردوگاه با صدای بسیار بالا اخبار بغداد را در رابطه با مجاهدین پخش میکرد، در اوج درگیری ها همه اسیران را در آسایشگاه ها تا چند روز حبس کردند جیره غذائی کاهش پیدا کرد، اما هنگامی که متوجه شدند مجاهدین شکست خورند کتک زدن ها شروع شد، محدودیت ها تا مدت زیادی بر ما اعمال می شد، از این عمل ضد میهنی مجاهدین حتی اسیران هم در اردوگاهها ضربه خوردند اما با حفظ روحیه خود پوزه بعضی ها را به خاک مالیدند همان بعضی هایی که چند سال بعد از آن مجاهدین را تا دندان مسلح کردند تا از این طریق شاید بتوانند به اهداف خود که کشور گشائی بود برسند، مجاهدین هم با آگاهی کامل از منظور صدام پذیرفتند و به خدمت دشمن ایران و ایرانی آمدند.



امسال هم مثل هر سال مجاهدین در پی تدارک گردهمائی هستند تا ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ که همانا بزرگترین خیانت به مردم ایران از سوی این گروه بوده را برگزار کنند و با عمل انقلابی جلوه دادن آن حرکت ضد میهنی سر هواداران خود را شیره مالی کنند و با سرهم کردن مشتی چرند از ریزش نیرو در خارج از کشور جلوگیری کنند.

در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ زمانی مجاهدین دست به سلاح بردند و با رژیم جنگ مسلحانه آغاز کردند که اولاً قسمتی از خاک ایران توسط پدر خوانده رجوی اشغال شده بود و نیروهای نظامی بایستی برای نبرد با ارتش بعث اشغالگر در جبهه ها حضور میافتند، اما مجاهدین با این عمل ضد میهنی باعث قفل شدن نیرو در درون ایران شده و از ایجاد چنین موقعیتی نیروی



در زمانی که مجاهدین در دوران شاه در زندان بودند سازمان چریکهای فدائی مسیر جنگ مسلحانه را طی کرده بود، چریکهای فدائی خوب می دانستند که پس از انقلاب ۵۷ جنگ شهری جواب ندارد و در واقع دورانش به سر آمده، به مجاهدین هم گوشزد کرده بودند تا دست به این حماقت نزنند، اما رهبر خودکامه مجاهدین که در این دنیا تنها خود را می بیند گوشه‌هایش را بست و آنچه که برایش دیکته شده بود را انجام داد.

شخصاً در پاریس با چشم خود دیدم، پیر وپاتال های امریکائی را فراموش کردم مردان پنجاه هزاردلاری که البته پنجاه هزار دلار دستمزدشان است پول هتل و هواپیما و خرج عیش و نوش هم جای خود را دارد. واقعاً خواندن اطلاعاتیه این گردهمائی چندیش آور است چه رسد شرکت در آن و گوش دادن به چرندیات کسی که منفور ملت بزرگ و شریف ایران است.

ادوارد ترمادو - اردیبهشت ۱۳۹۴

در یک کلام، جنگ مسلحانه و سی خرداد مجاهدین نه تنها نتیجه مثبتی نداشت بلکه هم فاجعه آفرید هم باعث شد تمام گروه های سیاسی دیگر له شوند و و هم در ابتدا باعث شد ارتش صدام مواضع خود را در درون ایران محکم کرده و تلفات بیشتری از فرزندان ایران بگیرد بعلاوه اینکه هم هواداران خود را راهی زندان ها کرد و هم باعث اعدام های گسترده شد،تنها نتیجه ای که برای مجاهدین دربرداشته این بوده که هم رهبری سازمان وهم کل سازمان مجاهدین تا به امروز مورد تنفر ملت ایران است.

ناگفته نماند که هر سال فیل سی خرداد هوا می شود اما کماکان با شرکت دانشجویان رومانی و لهستانی و پناهندگان کمپ های پناهندگی در اروپا و یا از هواداران داعشی در اروپا که یک مورد را سال قبل

گزارش جلسه سالانه فدراسیون

اروپایی مراکز اطلاع رسانی و تحقیق

در مورد فرقه ها، فکریس (FECRIS)



بنیاد کمک به خانواده، بیست و چهارم می

۲۰۱۵: ... آن خدابنده (سینگلتون) که به

نماینده از "بنیاد کمک به خانواده" اف. اس.

تی (Family Survival Trust) با سابقه

فعالیت کمک به قربانیان و خانواده های فرقه

ها در بریتانیا در چندین دهه گذشته شرکت

داشت، امسال در موقعیت و مسئولیت

استثنایی قرار داشت که بتواند همزمان و در

اشتراک با سخنرانی آقای وزیر توضیحات

مرتبط را به مدعوین سخنرانی و ...

فکریس (FECRIS) فدراسیونی است که امکان

تجمع بزرگترین متخصصین و موثرترین ارگانهای

تحقیقی و فعالان مدنی در مورد فرقه ها و راه های

پیشگیری از صدمه آنها را ایجاد می کند. کنفرانس

سالانه فکریس محلی است برای تجمع محققین،

فعالان مدنی، پزشکان و گروه های کمک کاری که

می توانند در این فدراسیون ارتباطات بین خود و

همچنین ارتباط با اعضای سابق فرقه ها و خانواده

های گرفتاران در فرقه را محقق سازند. ارزش این

گردهمایی و دستاورد های منحصر به فرد آن امسال

مورد توجه ویژه جلسه سالانه فکریس بود.

امسال آقای تام سکویل (وزیر سابق در دولت بریتانیا)

پس از سالها عده داری ریاست فکریس، باز رشتستگی

خود را اعلام نمود. وی در انتخاباتی جدید مقام خود را

به خانم دانیل مولر تولى سپرد. به امید موفقیت هر چه

بیشتر خانم مولر تولى در انجام هر چه بهتر این

مسئولیت مهم.

تمرکز در کنفرانس امسال که در مارسی فرانسه برگزار

گردید روی باز کردن موضوع سوء تفهیم هایی بود که

مرز بین "مذاهب" و "فرقه ها" را مخدوش می کنند

(عمدتاً توسط خود فرقه ها و بالاخص فرقه هایی که

خود را مذهبی می نامند). آقای سرجی بلیسکو ریاست

"وزارت ضد فرقه فرانسه (MIVIODES)" جلسه

امسال را با سخنرانی مشخص خود در این زمینه

(مذاهب و فرقه ها) افتتاح نمود. وی توضیح داد که

استفاده از روش های فرقه ای مشخص سیستم های



دموکراتیک و هنجارهای اجتماعی را تخریب می کند ولی کسانی که از چنین روش هایی استفاده می کنند برای منحرف کردن اذهان مردم دست به سوء استفاده از "مذاهب و عقاید" میزنند و مدعی میشوند که "ما و وزارت ما در پی محدود کردن ابراز عقیده و یا اعتقادات آنها هستیم". آنها مدعی میشوند که باید بعنوان "یک مذهب" ثبت و مورد توجه قرار گرفته آزادی عمل داشته باشند. آقای وزیر سرجی بلیسکو همچنین در مورد مشکل رو به رشد تروریسم تحت نام "مذهب" توضیحاتی داد و این مشکل را مرتبط با روش ها و فرایندهای فرقه ای دانست.

آن خدابنده (سینگلتون) که به نمایندگی از "بنیاد کمک

به خانواده" اف. اس. تی با سابقه فعالیت کمک به قربانیان و خانواده های فرقه ها در بریتانیا در چندین دهه گذشته شرکت داشت، امسال در موقعیت و مسئولیت استثنایی قرار داشت که بتواند همزمان و در اشتراک با سخنانی آقای وزیر توضیحات مرتبط را به مدعوین سخنرانی و سوال کنندگان ارائه دهد. آن خدابنده (سینگلتون) در این جلسه با تشریح و تحلیل "چگونگی بکار گیری روشهای فرقه ای توسط گروه های تروریستی" نشان داد که این روشها به هیچ وجه نمی توانند "مذهب و مذهبی" یا "عقیده و عقیدتی" توصیف شوند. وی در ادامه به برخی از روشهایی مورد

استفاده که از "بی خبری" و "کمبود اطلاعات" قربانی استفاده می کنند اشاره کرد و برخی از "روشهای شستشوی مغزی" در "گروههای تروریستی" را تشریح نمود. آن خدابنده گفت که با پانزده سال سابقه فعالیت در این زمینه اکنون می تواند با قاطعیت بگوید که این مشکل هم "قابل تشخیص است" و هم "راه حل مشخص دارد". این توضیحات مورد تشویق و تأیید آقای وزیر و مدعوین جلسه قرار گرفت.

ریاست وزارت ضد فرقه فرانسه

(MIVILUDES) آقای سرجی بلیسکو و

آن خدابنده (سینگلتون) نماینده اف اس تی

بریتانیا (FST)

کنفرانس امسال شامل بحث های آموزشی و جالب دیگری نیز بود که از جمله می توان به چندین "شهادت" مستقیم از زبان "قربانیان" فرقه ها اشاره نمود. برخی از این شهادت ها بواقع تکان دهنده بودند. آقای پیر لوکوز مدیر بخش علوم اجتماعی در دانشکده پزشکی دانشگاه مارسی در توضیحی مبسوط، جالب و بسیار روشنگرانه نشان داد که چگونه یک فرد می تواند با "برنامه ریزی قبلی و مزورانه فرقه ها" بصورت "گام به گام" تحت تأثیرات شناخته شده در علوم روانشناسی قرار گیرد. تکنیک های روانشناسانه ای که بکار گیری



از آنها در خارج از دایره "پزشکی" بسیار مخرب و خطرناک هستند. الیور فاعلان ریاست "اس. آ. اس سکت" از بلژیک (SAS Sect) با سخنرانی خود توجه مدعوین را جلب نمود. وی به مدعوین توضیح داد که چرا باید از "بحث های انحرافی" و "سنگ اندازی های انحرافی و جدل های فرقه ها" دوری کنند. وی بطور مشخص بحث بدون انتهای را که "فرقه ها" پیش می کشند که "بیابید ثابت کنید ما مذهب نیستیم" را یکی از این سنگ اندازی های انحرافی معرفی نمود. آقای فاعلان توضیح داد که مشکل هیچ یک از ما در "حرف" این فرقه ها نیست بلکه مشکل در "عمل" این فرقه ها و روشهایی است که روی اعضای خود پیاده می کنند و این "حرکات و اعمال" فرقه هاست که هم برای فرد و هم برای جامعه مضر و خطرناکند و در نتیجه باید افشا شده و جلوی آنها گرفته شود.

و بالاخره خانم ایانا لالیچ، فرقه شناس مشهور و متخصص شناخته شده در این زمینه به مشکلات سیستمهای "قضایی" و "قانونی" در زمینه "مبارزه با روشهای فرقه ای" در امریکا پرداخت. وی به برخی از موارد و نمونه ها اشاره نمود و در مورد برخی از پرونده هایی که خودش شخصا بعنوان "متخصص" در آنها شهادت داده بود توضیح داد. وی نشان داد که چگونه فرقه ها با سوء استفاده از کمبود علم و اطلاع سیستماتیک در سیستمهای قضایی به پرده پوشی و منحرف کردن مسائل رو می آورند تا "جرم تخریب روانی در استفاده از روشهای فرقه ای" را لاپوشانی کنند. این سخنرانی وی مشخصا در راستای بحث اصلی امسال کنفرانس تحت عنوان "تولید عمدی ابهام بین فرقه ها و مذاهب، راهی برای منحرف کردن اذهان" بسیار قابل توجه بود.

مارزیو، لالیچ، خدابنده، کورواگلیا

خانم آنا ادلستام، ژورنالیست، در مورد "بنیانگرایی" صحبت کرد. وی با اشاره با تاریخچه اخوان المسلمین در مصر گفت که با وجود این که انقلابی در مصر رخ داد ولی "بوجود آورنده" و بالا تر از آن "آلترناتیو" موجود در این انقلاب نیرویی بود که هدفش با خواسته "دموکراتیک" و "مردمی" همین کسانی که انقلاب کرده بودند مغایرت داشت.

شرکت کنندگان در کنفرانس امسال فعالانه در بحث - ها شرکت کردند و سوالات بسیار جالب و قابل تاملی مطرح و مورد بحث قرار گرفت و در آنراکتی کوتاه نهار مختصری هم در حین صحبت ها سرو شد . جا دارد تا از میهماندار امسال این برنامه در ماریسی (GEMPPPI) که توانست کنفرانس را بصورتی موفقیت آمیز اداره کند نیز تشکر کنیم. کنفرانس توسط



مترجمین همزمان با بحث‌ها در سطحی بسیار خوب توسط مترجمین ترجمه شد.

ریاست جدید فکریس، خام‌دانیل مولار تالی این کنفرانس را با سخنرانی نهایی خود و با تشکر مجدد از ریاست سابق فکریس آقای سکویل و خالی کردن جای وی و فعالیت هایش به پایان برد.

آن خداینده (سینگلتون)، به نمایندگی از بنیاد کمک به خانواده، کنفرانس فکریس، مارس ۲۰۱۵

توضیح: فدراسیون اروپایی مراکز اطلاع‌رسانی و تحقیق در مورد فرقه‌ها، فکریس (FECRIS) در سال ۱۹۹۴ بوجود آمد که بعنوان سازمان چتری برای سازمانهایی عمل می‌کند که هدفشان کمک‌رسانی به قربانیان فرقه‌ها در بیش از سی کشور است (پنج کشور غیر اروپایی نیز عضو هستند). فعالیت فکریس در سطح بین‌المللی است و دفتر آن در سازمان ملل (ECOSOC) نمایندگی این فدراسیون در سازمان ملل را بعهده دارد.

(بزک مریم رجوی بعنوان "فعال حقوق بشر" مصداق دقیق انتخاب ابزاری غلط برای کاری غلط‌تر است.) آن خداینده (سینگلتون)، مشاورین استراتژی خاورمیانه، شانزدهم می

۲۰۱۴: ... دکتر احمد شهید، نماینده ویژه سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران یکی از این افراد سرشناس بود که در این روز حضور نیافت. در میان بقیه مدعوین هم شکاف ایجاد شد. برخی معتقد بودند که وارد کردن مریم رجوی نه تنها به نفع دوایر ضد ایرانی نیست که اساسا به منافع اسرائیل خدشه وارد می‌کند. برخی دیگر اساسا با بنیان و ... بزک مریم رجوی بعنوان "فعال حقوق بشر"

اگر چه کانادا بخشی از کشورهای مذاکره‌کننده با ایران (پنج بعلاوه یک) نیست ولی این کشور با هدف استفاده از "حقوق بشر" برای تحت‌تاثیر قرار دادن موضع ایران برنامه‌ای را تحت نام "هفته حسابرسی از ایران در پارلمان" در پارلمان آن کشور آغاز کرد. ولی دیروز شاهد بودیم که این برنامه بجای تاثیر گذاری به شویی بی برنامه تبدیل شد که هدفش صرفا ایجاد دشمنی، تنفر و انزجار بود و بنظر میرسد که قصد آن قبل از هر چیز سعی در جلوگیری از بوجود آمدن راه‌حلی بین ایران و قدرتهای غربی باشد. البته بنظر میرسد که با توجه به بی‌برنامگی و عدم وجود تفکری معقول در پشت آن، این تحرک نخواهد توانست تاثیری بر روند



مذاکرات داشته باشد. شروع این برنامه یک هفته ای از همان آغاز با گزارش علی غریب در نشریه نشین و افشای دستهای پشت پرده آن بشدت به ضد خودش تبدیل شد.

وارد کردن نفر دوم گروه بدنام مجاهدین خلق (فرقه رجوی، ارتش خصوصی صدام) یعنی مریم رجوی که خودش را بنام "رئیس جمهور منتخب" ایران آینده معرفی می کند شکست این هفته و این برنامه را تضمین کرد. همه میدانند که این سازمان مجادین خلق خودش کارنامه ای بسیار قطور از نقض حقوق بشر را با خود یدک می کشد. از طرف دیگر واقعیت این است که این گروه بشدت مورد تنفر ایرانیان چه در داخل این کشور و چه در کشورهای خارجی هم هست. واضح بود که بسیاری از مدعوین از شرکت همزمان با این فرد در این جلسه شانه خالی کنند. دکتر احمد شهید، نماینده ویژه سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران یکی از این افراد سرشناس بود که در این روز حضور نیافت. در میان بقیه مدعوین هم شکاف ایجاد شد. برخی معتقد بودند که وارد کردن مریم رجوی نه تنها به نفع دوایر ضد ایرانی نیست که اساسا به منافع اسرائیل خدشه وارد می کند. برخی دیگر اساسا با بنیان و پایه چنین حضوری مخالفت میکردند. علی غریب در گزارشش اینطور

میگوید: "یکی از فعالین حقوق بشر که روی موضوع ایران کار می کند و بخاطر کارش خواست که نامش ذکر نشود نگرانی دیگر مدعوین فعال در زمینه حقوق بشر را مطرح کرده است. حضور همزمان با سرکرده گروه بدنام مجاهدین خلق (مریم رجوی) بشدت "بی ربط به موضوع" و از طرف دیگر "زهر آگین" است. باید گفت که بسیاری از ایرانیان با نقطه نظرات متفاوت سیاسی در این زمینه بخصوص اشراک نظر دارند. تا جایی که این زمینه مشترک اکنون به برخی از اعضای خود این سازمان هم بسط یافته است".

نتیجه این که حامیان مریم رجوی مجبور شدند تا به وی بگویند که "سخنرانی" اش را محدود کند و قسمتهایی از آن را حذف کند. آنها از وی خواستند که صرفا به وضعیت مجاهدین خلق در کمپ عراق بپردازد و حرف دیگری نزنند. با این حال مریم رجوی چیزی بجز مقداری مزخرف و خرواری از دروغ آشکار برای ارائه در چنته نداشت و همین ها را هم تحویل این جمع داد. حضور وی از طریق اسکایپ و ویدئو در این جلسه در زمانی رخ داد که وی قبل از آن برای چندمین بار نتوانست ویزای امریکا را دریافت کند. لابی های اسرائیل باز میخواستند با بردن وی به واشنگتن مذاکرات هشتم می را تحت الشعاع قرار دهند. رجوی البته بارها برای حضور در کانادا هم فرم ویزا پر کرده



است که بنظر میرسد وی در آن کشور هم خیلی محبوبیت نداشته باشد و مورد استقبال قرار نمی گیرد. انهایه مریم رجوی مجبور شد از مقر فرماندهی فرقه مجاهدین در خارج پاریس سخنانی را که بشدت سانسور شده بود تا قابل شنیدن و تحمل در جمع فعالین حقوق بشری گردد را از طریق اسکایپ ارائه داد. با این حال بسیاری از شنوندگان این احساسشان را بیان کردند که بنظر میرسد سرشان کلاه گذاشته شده است. حضور مریم رجوی، یک پشتیبان و عضو فعال در جمع صدامی ها، القاعده و داعش (حکومت اسلامی عراق و شام) در عراق در این جمع مشخصا پشت پرده، هدف و خواسته دعوت کنندگان از وی در این برنامه را رسوا کرد.

در حالی که قابل درک است که موساد از مجاهدین خلق بعنوان نیرویی مزدور برای قتل دانشمندان ایرانی استفاده می کند یا برای رد گم کردن و سفید شویی اطلاعاتش در مورد مسائل اتمی از فرقه بدنام رجوی بهره می برد، ولی باید گفت هیچ کس در جهان رنگ کردن این زن بعنوان "فعال حقوق بشر" را نخواهد خرید. این حرکت آخرشان بی نتیجه و مصداق دقیق انتخاب ابزاری غلط برای کاری غلط تر است. آن خدا بنده (سینگلتون)، نهم دسامبر ۲۰۱۳: ... واقعا فکر کنید! چه کسی در ده سال اخیر

بیش از مسعود و مریم رجوی به اعضای این سازمان صدمه زده است. ستمگری و فساد که حاکم بر روابط داخلی این گروه است را هیچ کس بهتر از کسانی که قربانی این دستگاه شده اند نمی دانند و نمی توانند بیان کنند. آنها چه می گویند؟ و راستی مهر و محبت انسانی مریم رجوی کجا رفته؟ چرا این فرد هیچ واکنش و مهر و محبتی نسبت سعی مریم رجوی در تحقیر مستمر اعضای مجاهدین خلق. محبت درون او کجا رفته است؟

شاهدیم که این روزها برخی از پشتیبانان سازمان مجاهدین خلق که در کشورهای غربی زندگی می کنند بصورتی علنی به آنها پشت کرده و برخی از فعالیت های این سازمان را به زیر سوال می برند (البته بیشتر این افراد قبول ندارند که کاملاً از این سازمان فاصله گرفته اند و انتقاداتشان را درونی میدانند). این افراد این روزها در شوک بسر می برند و باورشان نمی شود که چگونه توسط دستگاههای مختلف سازمان مجاهدین بصورتی وحشیانه مورد حمله قرار گرفته اند. آنها وقتی در داخل سازمان بودند واقعا معتقد بودند که این نوع حملات کاملاً قابل قبول است و حرکات



سازمانشان واقعا مبارزه است. امروز اما خودشان را تحت همین حملات یافته اند و کم کم متوجه می شوند که این اتهامات نه تنها بی پایه و بنیان هستند که مشخصا اعمال می کردند تا بتوانند با تولید وحشت از گسترش انتقادات جلوگیری کرده منتقدین را ساکت کنند. البته من شکی ندارم که این افراد با استوار ماندن بر شجاعت درونی شان به راهشان ادامه خواهند داد و از حق و حقیقت فاصله نخواهند گرفت.

رجوی ها البته سالهاست مدعی هستند که هر کس علیه آنها کلمه ای صحبت کند و بخصوص اگر آن فرد عضو سابق هم باشد حتما توسط جمهوری اسلامی ایران استخدام شده و ماموریتش هم هر بار در چهار چوب نقشه ای مخوف است برای از بین بردن سازمان و رهبرانش آن یعنی باز مسعود و مریم رجوی. ولی راستی دلیل و مدرک این ادای رجوی ها کجاست؟ منتقدین به مجاهدین و شخص رجوی، بارها به این نکته اشاره کرده اند که بیشترین صدمات به مجاهدین خلق را رهبران فرقه یعنی مسعود و مریم رجوی وارد کرده اند. واضح است که آنها بودند که دستور

خودسوزی ها را صادر کردند و آنها بودند که جلوی رسیدن دارو را گرفتند و آنها بودند که نفرات را جلو انداختند تا در درگیری کشته شوند و البته در آخرین دستور العمل آنها هستند که با جمع کردن غذا و ادعای

”اعتصاب غذای داوطلبانه“ این بار در حال کشتن افراد از طریق گرسنگی هستند. ولی و از طرف دیگر همه شواهد و گفتار و کردار منتقدین نشان میدهد که این افراد قبل از هر چیز نگران سلامت و حقوق انسانی افراد هستند. بنابراین رجوی باید بداند که پیامها و رفتار و گفتارش بشدت متناقض هستند.

مشکل اینجاست که، اگر آنطور که مریم رجوی تمام دستگاه فرقه و داستانش را روی آن سوار کرده، رژیم ایران غایت شر و حامی تروریسم و غیره است پس گفتار و کردار این ماموران و مستخدمین نگران وزارت اطلاعاتش که هیچ چیزی خواسته ای جز خیر و محبت و آزادی برای افراد گرفتار در مجاهدین خلق (در هر سطحی) ندارند و نشان نمیدهند را چگونه باید توجیه کرد؟ تا بحال ندیده ایم که حتی یکی از آنها خواستار مرگ اعضا بوده باشد. در واقع و بالعکس همه ما نشان داده ایم که همگی صرفا بدنبال کمک به این افراد هستیم تا کرامت، انسانیت و شخصیت آنها به آنها باز گردانده شود. کرامتی و انسانیتی و شخصیتی که توسط مریم رجوی از آنها دزدیده شده است. منتقدین مسعود و مریم رجوی، رهبران مجاهدین خلق، ده ها سال است که مشغول افشای جنایت ها و فساد این دیکتاتورهای کوچک هستند. و البته همگان دیده اند که سالهاست که در این راه هر گونه فحاشی، ترور



شخصیت و حتی حملات فیزیکی را هم به جان خریده اند. فحاشی ها، ترور ها و حملات فیزیکی که البته مستقیماً بدستور و تحت فرماندهی این دو فرد تبهکار صورت گرفته است.

هر کسی که کوچکترین ارتباطی با موضوع مجاهدین خلق در رابطه با هر موضوعی، در هر برهه زمانی و در هر کجایی که داشته باشد و با اعضای سابق این سازمان برخورد کند در اولین تماس متوجه خواسته ساده و قابل درک و بی خم و پیچ آنها می شود که نگران دوستان و همراهان و خانواده خود هستند. همه در اولین قدم و برخورد متوجه می شوند که هیچ هدف مخفی و پنهانی در میان نبوده و نیست.

مجاهدین خلق در هر وضعیتی و به هر ترفندی بدنبال نشان دادن دولت ایران بعنوان دولتی ذالکشر و ستمکار هستند. حال اگر به همین منطق مجاهدین پایبند بمانیم، ناظرین حق دارند از رجوی ها سوال کنند که پس این همه مهر و محبتی که اینها نثار اعضای گرفتار فرقه می کنند از کجا سر در آورده است؟

واقعاً فکر کنید! چه کسی در ده سال اخیر بیش از مسعود و مریم رجوی به اعضای این سازمان صدمه زده است. ستمگری و فساد که حاکم بر روابط داخلی این گروه است را هیچ کس بهتر از کسانی که قربانی

این دستگاه شده اند نمی دانند و نمی توانند بیان کنند. آنها چه می گویند؟ راستی مهر و محبت انسانی مریم رجوی کجا رفته؟ چرا این فرد هیچ واکنش و مهر و محبتی نسبت به نفرات خودش نشان نمی دهد ولی در مقابل تمام انرژی و وقت و پولش را صرف جنگیدن علیه کسانی می کند که چنین مهر و محبتی را دارند و بدنبال راه حل هستند؟

رجوی می گوید خواسته اعتصاب غذای اجباری آنها بازگشت هفت نفری است که ناپدید شده اند. ولی وی هنوز هیچ مدرک و سندی ارائه نکرده که این افراد حتی زنده هستند یا مرده چه رسد به این که کجا هستند و این که چرا هیچ خبری از آنها نیست. کسانی که می توانند در این رابطه گره گشا باشند نه نمایندگان سازمان ملل هستند و محققین دولت عراق. این کلیدهای گشایش مسئله، ۴۲ نفری هستند که در این جریان کشته شدن ۵۳ نفر در کمپ اشرف توسط مهاجمینی نامشخص شاهد بوده اند. اما این ۴۲ نفر که اکنون به کمپ لیبرتی منتقل شده اند در قرنطیه رهبران و فرماندهان سازمان مجاهدین نگهداری می شوند و هیچ امکان ارتباطی با آنها وجود ندارد. چرا؟ آیا جز این است که اینها اطلاعات مشخصی از آن واقعه، در آن کمپ اشرف و در آن روز مشخص دارند؟



تا زمانی که فاکت ها وشواهد قابل دسترس نبوده و علنی نشوند، اعتصاب غذا حرکتی بغایت بی معنی است و صرفاً ایجاد درد و رنجی بی حاصل و غیر لازم. و در این حرکت بی معنی اگر انتهایی وجود نداشته باشد که ندارد، تا کی باید ادامه بدهند؟ بنظر می رسد که باز هم ما شاهد نوع دیگری از ظلم و ستم رجوی ها هستیم علیه انسانهایی مجبور. و باز در کمال خونسردی و بی تفاوتی .

استیونسون علیه دولت المالکی سوء استفاده این فرد از درد و رنج افرادی است که عملاً در کمپهای مجاهدین خلق در عراق به گروگان گرفته شده اند. نمایندگی سازمان ملل در عراق که از سال ۲۰۰۹ مسئولیت انتقال این افراد از عراق را بر عهده گرفته است .

سعی مریم رجوی در تحقیر مستمر اعضای

مجاهدین خلق. محبت درون او کجا رفته

است؟

آن خدابنده (سینگلتون)، نهم دسامبر ۲۰۱۳: ... واقعا فکر کنید! چه کسی در ده سال اخیر بیش از مسعود و مریم رجوی به اعضای این سازمان صدمه زده است. ستمگری و فساد که حاکم بر روابط داخلی این گروه است را هیچ کس بهتر از کسانی که قربانی این دستگاه شده اند نمی دانند و نمی توانند بیان کنند. آنها چه می گویند؟

تقاضای مریم رجوی برای ویزا چالشی برای

مواضع امریکا در قبال تروریسم

آن خدابنده (سینگلتون)، مشاورین استراتژی خاورمیانه، اول می ۲۰۱۴: ... الینا راس لهتینن مشخصاً وعده ها و پیشنهادات مختلفی به جان کری وزیر خارجه امریکا داده بود که در صورتی که این ویزا از طرف وزارت خارجه صادر شود پوئن هایی را در زمینه های دیگر به وی بدهد ولی وزیر خارجه امریکا مجبور است به سخنان دیگری هم گوش دهد.

توطئه اخیر استرون استیونسون و مجاهدین

خلق (فرقه رجوی) هم شکست خورد

آن خدابنده (سینگلتون)، مشاورین استراتژی خاورمیانه، اول مارس ۲۰۱۴: ... یکی از کثیف ترین حرکات

مادرم بی صبرانه در انتظار تماس تلفنی محسن مهرورز است



اردیبهشت ۱۳۹۴

م‌ت‌ع‌اق‌ب‌ ب‌از‌گ‌شت‌ آ‌ق‌ای‌ م‌ن‌ص‌ور‌ش‌ع‌ب‌انی‌ م‌ق‌یم‌ آ‌لب‌انی‌ ب‌ه‌
خ‌اک‌ و‌ ط‌ن‌ و‌ ک‌ان‌ون‌ پ‌رم‌هر‌خ‌ان‌واد‌ه‌،‌ ت‌ع‌داد‌ ز‌ی‌اد‌ی‌
از‌خ‌ان‌واد‌ه‌ ه‌ای‌ چ‌شم‌ ان‌ت‌ظ‌ار‌ گ‌یل‌ک‌ ب‌م‌ن‌ظ‌ور‌ ا‌ط‌لاع‌ از‌
و‌ض‌عی‌ت‌ ع‌ز‌یز‌ان‌ش‌ان‌ در‌آ‌لب‌انی‌ ط‌ی‌ ت‌م‌اس‌ ت‌لف‌نی‌ ب‌ا‌
د‌ف‌تر‌ان‌ج‌من‌ خ‌وا‌س‌ت‌ار‌ م‌لا‌ق‌ات‌ ح‌ض‌ور‌ی‌ ب‌اع‌ض‌و‌ ج‌دا‌ش‌ده‌ و‌
ب‌از‌گ‌شت‌ی‌ ب‌ه‌ ایر‌ان‌ ش‌د‌ن‌د‌.

م‌ح‌سن‌ م‌هر‌ور‌ز‌ از‌ اع‌ض‌ای‌ نار‌اض‌ی‌ و‌ گ‌رف‌ت‌ار‌در‌ ف‌رق‌ه‌
ب‌د‌نام‌ ر‌ج‌وی‌ از‌ج‌مل‌ه‌ ک‌سانی‌ اس‌ت‌ ک‌ه‌ در‌پ‌ای‌یز‌ ۱۳۹۳ ب‌ه‌
ات‌ت‌اق‌ ش‌م‌اری‌ د‌ی‌گ‌را‌ز‌ ن‌گ‌ون‌ ب‌خ‌ت‌ه‌ای‌ ر‌ج‌وی‌ از‌ ل‌ی‌بر‌تی‌ ب‌ه‌
آ‌لب‌انی‌ م‌ن‌ت‌قل‌ ش‌ده‌ اس‌ت‌ و‌ م‌ل‌س‌ف‌ان‌ه‌ ت‌اک‌ن‌ون‌ ب‌ه‌ واس‌ط‌ه‌
ک‌ن‌تر‌ل‌ ذ‌هن‌ و‌ م‌غ‌ز‌ش‌وی‌ و‌ ه‌م‌چ‌ن‌ین‌ م‌مان‌عت‌ س‌ران‌
ت‌ش‌ک‌ی‌لات‌ ر‌ج‌وی‌ م‌وف‌ق‌ ب‌ه‌ ت‌م‌اس‌ ب‌ا‌ خ‌ان‌واد‌ه‌ اش‌ ن‌ش‌ده‌
اس‌ت‌ و‌ ک‌ما‌کان‌ خ‌ان‌واد‌ه‌ اش‌ در‌ن‌گ‌ر‌انی‌ م‌ط‌لق‌ ق‌رار‌دار‌ن‌د‌ .

م‌ه‌ن‌د‌س‌ ع‌ل‌ی‌ن‌قی‌ م‌هر‌ور‌ز‌ از‌ بر‌ادر‌ان‌ م‌ح‌سن‌ ط‌ی‌ ت‌م‌اس‌ی‌
ب‌ا‌ د‌ف‌تر‌ان‌ج‌من‌ ض‌من‌ ت‌ب‌ری‌ک‌ و‌ش‌اد‌ب‌اش‌ ب‌از‌گ‌شت‌
م‌ن‌ص‌ور‌ش‌ع‌ب‌انی‌ ب‌ه‌ ا‌ی‌شان‌ و‌خ‌ان‌واد‌ه‌ خ‌وش‌ ش‌ان‌س‌ش‌
اف‌ز‌ود‌ن‌د‌:

" آ‌ق‌ای‌ پ‌ور‌اح‌مد‌ ب‌رای‌مان‌ ن‌ی‌ز‌خ‌وش‌ خ‌بر‌باش‌ید‌.‌ م‌ن‌ و‌ت‌م‌ام‌
اع‌ض‌ای‌ خ‌ان‌واد‌ه‌ ام‌ خ‌ص‌وص‌ا‌ م‌ادر‌س‌ال‌م‌ند‌م‌ در‌غ‌م‌
ج‌ان‌ک‌اه‌ی‌ می‌ س‌وز‌یم‌ و‌آ‌رز‌و‌ دار‌یم‌ ک‌ه‌ ب‌ت‌وان‌یم‌ در‌اس‌رع‌
و‌ق‌ت‌ بر‌ادر‌نا‌ز‌ن‌ی‌مان‌ م‌ح‌سن‌ را‌ در‌آ‌غ‌وش‌ ب‌ف‌ش‌اری‌م‌ .
در‌این‌ م‌ی‌ان‌ م‌ادر‌چ‌شم‌ ان‌ت‌ظ‌ار‌ و‌م‌ری‌ض‌ ا‌حو‌ال‌ م‌ن‌ خ‌ی‌لی‌
ب‌ی‌ت‌ابی‌ م‌ی‌ک‌ن‌د‌ و‌می‌ گ‌و‌ید‌ خ‌د‌ای‌ا‌ م‌ی‌ش‌ود‌ تا‌ ز‌مان‌یک‌ه‌ ج‌ان‌
در‌ب‌دن‌ دار‌م‌ ب‌ت‌وان‌م‌ ی‌ک‌بار‌ و‌لو‌ ی‌ک‌بار‌ص‌د‌ای‌ ج‌گ‌ر‌گ‌وش‌ه‌ ام‌
م‌ح‌سن‌ را‌ ب‌ش‌ن‌وم‌."

ان‌ج‌من‌ ن‌ج‌ات‌ گ‌یل‌ان‌ ب‌ا‌ ت‌اک‌ید‌ ب‌ر‌ف‌ع‌الی‌ت‌ه‌ای‌ ان‌سان‌د‌وس‌ت‌ان‌ه‌
و‌خ‌یر‌خ‌وا‌هان‌ه‌ خ‌ود‌ در‌ ر‌اس‌ت‌ای‌ ر‌ه‌ایی‌ ت‌م‌ام‌ اس‌رای‌ گ‌رف‌ت‌ار‌
در‌ف‌رق‌ه‌ ر‌ج‌وی‌ و‌ب‌از‌گ‌شت‌ش‌ان‌ ب‌ه‌ د‌نی‌ای‌ آ‌ز‌اد‌ و‌ خ‌ص‌وص‌ا‌
و‌ط‌ن‌ و‌ک‌ان‌ون‌ گ‌رم‌ خ‌ان‌واد‌ه‌ ؛‌ در‌خ‌ص‌وص‌ ت‌م‌اس‌ و‌ارت‌ب‌اط‌
اس‌رای‌ م‌ق‌یم‌ آ‌لب‌انی‌ ب‌ا‌ خ‌ان‌واد‌ه‌ ه‌ای‌ در‌د‌مند‌ و‌چ‌شم‌
ان‌ت‌ظ‌ار‌ش‌ان‌ ت‌ن‌ها‌ ب‌ه‌ خ‌دا‌ و‌ ت‌وج‌ه‌ات‌ اله‌ی‌ د‌ل‌ ب‌س‌ته‌ اس‌ت‌
و‌ آ‌رز‌وم‌ند‌ اس‌ت‌ ک‌ه‌ چ‌نان‌چ‌ه‌ ش‌ای‌س‌ته‌ اس‌ت‌ ت‌م‌ام‌ اس‌رای‌
اغ‌فال‌ ش‌ده‌ ب‌ه‌ ص‌راط‌ م‌س‌ت‌ق‌یم‌ و‌ج‌اد‌ه‌ اص‌لی‌ ه‌د‌ایت‌ ش‌وند‌
و‌آ‌نگ‌اه‌ م‌ش‌ت‌اق‌ان‌ه‌ ب‌ا‌ ق‌لب‌ی‌ س‌ر‌ش‌ار‌از‌ع‌شق‌ و‌ع‌اط‌ف‌ه‌ ب‌د‌نب‌ال‌
ت‌م‌اس‌ ب‌ا‌ خ‌ان‌واد‌ه‌ ه‌ای‌ ن‌گ‌ران‌ خ‌ود‌ باش‌ن‌د‌.

محاکمه مهدی ابریشمچی در دادگاه پاریس ، آیا اروپا در برابر تروریسم خواهد ایستاد ؟

اردیبهشت ۱۳۹۴



روز پنجشنبه برابر با هفتم مای ۲۰۱۵ ، مهدی

ابریشمچی در دادگاه پاریس به پای میز محاکمه

کشیده شد . او که به عنوان شریک جرم اصلی مسعود

رجوی از سویی با نقش تعیین کننده اش در بحث

انقلاب ایدئولوژیک درونی مجاهدین یکی از پایه

گذاران سرکوب و نقض حقوق بشر در داخل مناسبات

تشکیلاتی مجاهدین است و از سوی دیگر با ارتباطات

خود از طرف رجوی با سازمان اطلاعات و امنیت رژیم

سابق عراق از بنیان خشونت و تروریسم در این فرقه

بوده است ، در اروپا نیز با اتهامات تروریستی مواجه

است و می بایست در مقابل دادگاه پاسخگو باشد .

در همین راستا انجمن های فعال حقوق بشر و

جداشدگان از سازمان مجاهدین با برپایی آکسیون در

میدان سن میشل پاریس ، ضمن حمایت از محاکمه

همدست رجوی خواهان پایان دادن به خشونت و نقض
حقوق بشر توسط این سازمان شدند و آزادی اعضای
اسیر در تشکیلات این فرقه در عراق و آلبانی را
خواستار گردیدند.

این اولین بار نیست که سران مجاهدین خلق به پای
میز محاکمه کشیده می شوند اما تا کنون هرگاه که
دادگاهی برای عاملان این جریان برگزار شده است ،
مجاهدین با اعمال فشار، شانتاژ، تطمیع و تهدید سعی
در تغییر رای دادگاه ها را داشته اند تا به نفع آنها اقدام
کنند. دادگاه پاریس به فریکاری باند رجوی فکر نمی
کند و زحمت حداقل تحقیق و شناخت متهم را به خود
نمی دهد.

در اینکه فرقه رجوی با پرداخت رشوه های کلان رای
و نظر وکلا و قضات را به نفع خود تغییر دهد ، شک و
تردیدی نیست ، مخصوصاً زمانی که مجهز به لابی
های صهیونیستی باشد و سوءاستفاده و فریب وکلا و
سیستم قضایی فرانسه توسط فرقه مخرب رجوی
سابقه دیرینه ای دارد.

در پرونده ۱۷ ژوئن و دستگیری مریم رجوی و
اتهاماتی از جمله حمایت از تروریسم و پولشویی که او
و همراهانش با آنها مواجه بودند نیز شاهد بودیم که
چنین شد و با وجود مدارک مستدل که تامین هزینه



این سازمان توسط نهادهای امنیتی عراق را ثابت می کند و مستندات دیگر و خودسوزی های انجام شده توسط اعضای فرقه که با مسئولیت این تشکیلات صورت گرفت اما مجاهدین توانستند با صرف هزینه - های گزاف از همان پول های کثیف خود را به طور موقت از آن مرحله عبور دهند.

پر واضح است که اعتقاد به خشونت و تروریسم که مجاهدین آن را کارنامه پرافتخار خود می دانند در تار و پود این جریان تنیده شده است . با بیرون آمدن از لیست گروه های تروریستی اروپا و آمریکا که تحت بازی های بین المللی و سیاسی انجام گرفت تغییری در اعتقاد مجاهدین به خشونت صورت نگرفته است و تنها در پشت شعارهای دهان پرکن غرب پسند سعی در پنهان کردنش دارند .

با چشم پوشی از نظام فرقه ای حاکم بر سازمان مجاهدین و سیستم شستشوی مغزی که افراد را ملزم به ارتکاب به هر نوع جرم و جنایتی می کند ، اعتراف به اصطلاح سخنگوی اسلو به این که سازمان مجاهدین خلق در زمان صدام بیست هزار قطعه سلاح داشته است که هفده هزار تای آن انفرادی بوده است ، بیان گر آن است که این فرقه تا پیش از سقوط ارباب سابقش صدام حسین چه نیروی مخربی داشته است. این رقم یعنی به ازای هر عضو اشرف حدود ۴ سلاح

فردی علاوه بر تانک ها و نفربرها و .. وجود داشته است.

اکنون نیز که سازمان حق داشتن سلاح حفاظت شخصی برای خود قائل می شود و درخواست دوشکا و ضد هوایی برای دفاع در برابر حمله ی هوایی می دهد، این در حالی است که سازمان همواره ادعا کرده است که از سال ۲۰۰۱ حرکات خشونت آمیز را کنار گذاشته است و همواره خود را جایگزین دموکراتیک و صلح طلب برای جمهوری اسلامی معرفی کرده است . فرقه رجوی همه را متهم به همدستی با حکومت ایران می کند ؛ هشدارها درباره ی خطر حمله داعش را روضه خوانی می داند و با خود بزرگ بینی همیشگی الهام گرفته از خودشیفتگی ذاتی شخص مسعود رجوی، همه را در مقابل تهدید تروریسم در منطقه ناکام می داند و خود را “ الگویی برای امنیت عراق ” معرفی می کند.

این بار نیز مهدی ابریشم چی ، یکی دیگر از سران باند تبهکار رجوی باید در برابر دادگاه به اتهامات دفاع از تروریسم پاسخ دهد . آیا این بار عدالت اجرا می شود یا باز فرقه رجوی همه را می فریبد را کسی نمی داند اما در دادگاه تاریخ و در پیشگاه مردم ایران ، رجوی و همدستانش سالهاست که محکومند و روزی باید جواب پس دهند.

نامه انجمن نجات به سفیر سوئد در ایران (رخنه مزدوران رجوی تهدیدی جدی برای کشور شماست)



انجمن نجات، مرکز تهران، هجدهم می ۲۰۱۵

جناب سفیر محترم کشور سوئد در ایران

احتراماً باطلاع می‌رساند، طبق اخبار دریافتی، مقاماتی

از کشور متبوعتان در ارتباط با نمایندگان

مریم رجوی از رهبران MEK قرار گرفته‌اند،

در این رابطه بر اساس احساس مسئولیتی که داریم

لازم است چند نکته ضروری را خاطر نشان کنیم:

انجمن نجات همانطور که در نامه‌های قبلی عنوان

شده بود، یک انجمن انسان‌دوستانه، حقوق بشری است

که در خدمت خانواده‌های افراد MEK در ایران

فعالیت می‌کند. لذا وظیفه خود می‌داند که هر چه بیشتر

شما را نسبت به فعالیتها و عملکردهای سیاسی این

سازمان آگاه سازد.

۱- اقدام سازمان مجاهدین به ترور نزدیک

به ۱۲۰۰۰ نفر در سالهای بعد از انقلاب

۲- اعمال روابط فرقه‌ای در این سازمان

توسط رجوی. با اعضا ۶ و هواداران خود در

کمپ لیبرتی و اشرف، رهبران این سازمان

تلاش دارند تا سیستم کنترل از راه

نشستشوی مغزی را در گروه فرقه‌ای

خودشان در کمپ لیبرتی حفظ کنند.

آنها حتی به ساکنین کمپ اجازه‌ی استفاده از تجهیزات

که UNHCR برای آنها نصب کرده است،

نمی‌دهند. اعضاء اجازه ندارند تا از تلفن و تلویزیون

استفاده کنند. آنها همچنین هیچگونه دسترسی به

دنایای بیرون از فرقه رجوی ندارند.

۳- فشار سیستماتیک روانی، علیه اعضای

فرقه به صورت سنگینی اعمال می‌شود. به

گفته‌ی نفراتی که از کمپ لیبرتی فرار

کرده‌اند، نشست‌های نشستشوی مغزی با

شدت هر چه بیشتری برگزار می‌شود.

۴- اعضای گروه هرگز اجازه‌ی ملاقات با

خانواده‌هایشان را نمی‌یابند.

۵- اما مهمترین نکته‌ای که اشاره‌اش در

اینجا ضروری است نحوه جلب حمایت‌های

سیاسی آنها است که چگونه با صرف

ملیون‌ها دلار توانسته‌اند حمایت تعداد زیادی

از پارلمان‌ترها، مقامات سابق، وزرا و حتی

برندگان جایزه نوبل را به دست آورند.

در اینجا ما فقط بخشی از مقاله کریستین ساینس

مانیتور را می‌آوریم که به عنوان یک ناظر بیطرف

توانسته است بخشی از ابعاد آن را بازگو نماید.

کریستین ساینس مانیتور

پرداخت‌های هنگفت

مقامات اسبق آمریکا که در برنامه‌های مرتبط با

MEK شرکت می‌کنند به مانیتور گفتند که آنها مبالغ

کلانی دریافت کرده‌اند که از جانب گروه‌های محلی

آمریکایی ایرانی تبار به دفاتر سخنرانی که در

برنامه‌های عمویشان حضور پیدا می‌کنند، پرداخت

می‌شود.

مقام وزارت خارجه، که با این نوع سخنرانی‌های

قراردادی آشنایی دارد مکانیزم آن را چنین توضیح

می‌دهد:

”هماهنگ‌کننده سخنرانی‌های تان تاس می‌گیرد و می‌گوید بابت ۲۰ دقیقه سخنرانی ۲۰ هزار دلار نصیبان می‌شود. هواپیمای خصوصی می‌فرستند و کار که تمام شد ۲۵ هزار دلار دیگر هم می‌دهند. گروهی هم می‌فرستند تا توضیح دهند راجع به چه چیزی حرف بزنید”

مقام دیگر آمریکایی می‌گوید: ”مقامات بلندپایه امنیت

ملی، هیچگاه چیزی راجع به MEK ننشیده‌اند، تا

حالا در آن سطوح موضوعشان مطرح نشده است.

بنابراین زمانی که نمایندگان MEK خودشان را یک

پلتفرم سیاسی که متشکل از ۱۵ بزرگ‌ترین ناظر تمدن

غربی است، معرفی می‌کنند، کاملاً قانع‌کننده به نظر

می‌آیند.”

این قراردادهای می‌تواند تا ۱۰۰۰۰۰ دلار باشد و شامل

چندین حضور در برنامه باشد. طبق گفته مقام وزارت

خارجه، گاهی اوقات آنها صراحتاً می‌گویند که «ما یک

سازمان ظاهری برای MEK نیستیم.





تاثیر گذاری و پول

لی هامیلتون به مانیتور گفت که پول خوبی را برای صحبت در واشنگتن در تایید برنامه ده ماده ای مریم رجوی دریافت کرده است.

فرماندار سابق پنسیلوانیا اد رندل نیز با سخنرانی ده دقیقه ای در برنامه مرتبط با MEK ۲۰۰۰۰ دلار دریافت کرد. او این رقم را تایید کرد و گفت: "هیچ مقدار مبلغ پولی نمی تواند ما را وادار به گفتن چیزی کند که اعتقادی به آن ندارم".

"رندل گفت در مدت سخنرانش در اواسط جولای تلفنی روز دوشنبه دریافت کرده بود و از او دعوت شده بود تا شنبه بعد در برنامه شان شرکت کند. او به مخاطبش ابتدا جواب رد داد به او گفت: «من درباره ی این موضوع واقعاً هیچی نمی دانم، بنابراین فکر کنم صلاحیت این کار را نداشته باشم».

رندل از آنها به هر حال تشکر کرد به خاطر متقاعد کردنش، به خاطر توجیه کردنش در طول هفته، به خاطر اطلاعاتی که برایش فرستادند و به خاطر صحبت های بیشتری که صبح همان روز سخنرانی با او داشتند. قاضی موکازی به مانیتور گفت که برای تعدادی از حضورهایی که داشته پول دریافت کرده است اما اضافه

کرد که «مقوله ی پول مثل یک ماهی قرمز است». الگور برای سخنرانی درباره گرم شدن زمین پول دریافت کرد، آیا کسی درستی اعتقاداتش را زیر سوال برد؟

یک مقام دیپلماتیک سابق آمریکایی به مانیتور گفت که دسامبر گذشته برای سخنرانی در پاریس پیشنهاد پرداخت ۲۵۰۰۰ دلار شد اما او قبول نکرد. به او گفته شد که می تواند صرفاً راجع به مسائل کلی درباره حقوق بشر در ایران نکاتی را بگوید و لزومی به ذکر MEK نیست، اگرچه "ارتباط MEK روشن بود؛ اصلاً هیچگونه چیزی مخفی درباره آن نبود. "به او گفته شد در این صورت "ایرانیهای ثروتمند در اروپا" پول را خواهند پرداخت.

سخنرانان پروازی اصلی شامل بیل ریچاردسون، وزیر سابق انرژی؛ ژنرال پیتیر پیس رئیس سابق ستاد مشترک؛ و سلی کلارک فرمانده عالی نیروهای ناتو و جیمز جونز مشاور سابق امنیت ملی اوپاما، هستند.

پی جی کراولی سخنگوی سابق وزارت خارجه آمریکا که در برنامه ژوئن MEK صحبت کرد به مانیتور گفت: "لیست بسیار پرهیبتی است، پر از کارشناسان امنیت ملی و هر کدام از ما اهمیت ایران را برای امنیت آمریکا تشخیص می دهیم".

آقای کراولی گفت: "به من پیشنهاد پول شد که در برنامه‌ای سخنرانی کنم اما چیزی که من گفتم توضیحات خودم بود و نه تاثیر پولی که به من داده بودند."



چه کسی این پولها را می‌پردازد؟

منابع مالی فعالیت‌های تبلیغی برای اعاده

حیثیت MEK روشن نیست، حتی برای مقامات

آمریکایی. مانیتور از بیش از ده سخنران این مسئله را

پیگیری کرد که همراه با گزارشهای خبری و

افشاگریهای رسمی، تصویری از چندین گروه ایرانی -

آمریکایی داد برخی از آنها در گذشته با MEK

ارتباط داشتند و تمامشان در فعالیت‌های هواداری

MEK درگیر هستند - که هزینه این فعالیت‌ها را

تقبل می‌کنند.

علاوه بر زنجیره‌ای از برنامه‌هایی با شرکت‌کنندگان

بسیار در هتل‌ها و اماکن آمریکایی کلاس بالا و در

پاریس، بروکسل و برلین، این فعالیت‌ها تبلیغات

تمام صفحه در روزنامه‌های نیویورک تایمز و

واشنگتن پست را هم شامل می‌شود، که هزینه‌اش ۱۷۵۰۰۰ دلار برای هر کدام می‌رسد، که می‌خواهد MEK از لیست خارج شده و حفاظت قرارگاه اشرف تامین گردد.

چندین کنفرانس اجرا شده توسط

ExecutiveAction، LLC، که نیل

لیوینگستون مدیر عامل آن برای مدت طولانی در

موضوع‌های MEK فعال بوده است، حمایت مالی

شده‌اند. شرکت او گزارشهای مبسوطی جهت اثبات

نادرستی مواضع رسمی آمریکا نسبت به MEK

فراهم کرده است.

آقای لیوینگستون بر طبق وبسایت شرکتش،

نیز یکی از اعضای کمیته سیاست ایران

(IPC)، است. اولویت اول کاریش بیرون

آوردن MEK از لیست سازمانهای

تروریستی است.

چندین سخنران برنامه‌های مرتبط با MEK به

مانیتور گفتند که از طرف انجمن ایرانی-آمریکایی

کالیفرنیا شمالی به آنها پرداخت شده است. مدیر

انجمن، احمد معین در قبال پیگیریهای متعدد

تلفنی و ایمیلی ما هیچ واکنشی نشان نداد؛ وبسایت

فیلتر مجدداً در سال ۲۰۰۷، ۷۹۴۹/۴ دلار جهت شرکت در “گردهمایی برای حقوق بشر در ایران” در پاریس به او پرداخت شد. طبق “فرم گواهی تامین مالی مسافرت شخصی” درخواستی، هر دو مسافرت ذکر شده توسط تیم مهدی قائمی از گروه کلرادو پرداخت شد.



وزارت خارجه توضیح داده است که چگونه MEK گروه‌های وابسته را با نام‌های مساعد شکل داده است تا جلب پول و حمایت کند.

با توجه به موارد فوق و موارد زیادی دیگری که از حوصله‌ی این گزارش خارج است از شما استدعا داریم امکان ملاقاتی را فراهم نمایید تا نمایندگان این انجمن بتوانند از نزدیک با ارائه مدارک فوق و همچنین ارائه مجموعه قطوری از اسناد و مدارک دیگر ذهن شما را نسبت به این فرقه روشن نمایند تا بتوانید تصمیم درست و واقع‌بینانه‌تری را در قبال آنها اتخاذ نمایید.

با تشکر انجمن نجات - تهران

گروه برای فعالیتها و برنامه‌های هواداری MEK اختصاص داده شده است.

گروه کالیفرنیا، شرکت قدرتمند حقوقی واشنگتن را به نام Akin Gump Strauss Hauler & Fled به کار گرفت (قرارداد بست) تا از طرف MEK برای خارج کردنشان از لیست تروریستی وزارت خارجه لابی راه اندازد.

همچنین بر طبق گزارش افشاگرانه‌ی طبقه‌بندی شده در اوائل ژولای توسط سناتور جمهوریخواه باب فیلتر که به legistorm.com ارسال شده بود، مقداری حمایت مالی از جانب انجمن ایرانی-آمریکایی کلرادو صورت گرفته بود. این انجمن برای سفر درجه یک و هزینه‌های اقامتی سناتور

جمهوریخواه فیلتر که در گردهمایی ژوئن

MEK در پاریس شرکت کند، مبلغ

۶۲/۶۵۸۹ دلار به حساب او واریز کرد.

این فرم رسمی افشاگرانه توضیح می‌دهد که هدف او شرکت در “یک گردهمایی پرشکوه از ایرانیان در حمایت از حقوق بشر و دموکراسی در ایران” است. در این فرم هیچ اشاره‌ای به MEK و رجوی نشده بود.

دست نخورده باقی ماند. علی اجازه نداشت حتی به آنها نگاه کند!

وقتی خواستم اشرف خراب شده را ترک کنم ماشین از در خوابگاه مرا سوار کرد اما علی اجازه نداشت یک قدم مرا بدرقه کند! فقط دیدم با چشمان پر از اندوه مرا بدرقه میکرد!

مگر من موفقیتی جز اسارت و بدبختی در آن خراب شده چیزی دیدم که بخواهم برای فرزندم آرزوی موفقیت کنم! پسران من به دستور من برای آزادی برادرشان به عراق می آیند شما می توانید از من به حقوق بشر و غیره شکایت کنید، ببینم آیا این حق را به من میدهند که با عزیزم دیدار کنم یا نه! مریم (رجوی) تو که پشت تربیون دم از حقوق بشر میزنی چرا حق و حقوق را رعایت نمی کنی؟



نامه سرگشاده خانم سکینه عوض زاده، مادر(علی هاجری تحت اسارت در لیبی - عراق) به سران مجاهدین خلق - هشتمین نامه در طی ۵ ماه اخیر

آبادان - 1394



سکینه عوض زاده هستم مادر علی هاجری، شنیدم که سازمان (تشکیلات رجوی) شکایت نامه ای از طرف علی و علیه من در سایتها پخش کرده است.

این را همه میدانند که من سال ۲۰۰۵ به اشرف آمدم ولی چرا جزئیات را شما سران سازمان نمی نویسید که من از ساعت ۳ الی ۷ بعد از ظهر در سه ایستگاه در

درب ورودی قرارگاه اشرف مورد بازجویی قرار گرفتم. بعد از ساعتها پسر من را با محافظ آوردید زمانی که من با پسر من ملاقات کردم و مرا به خوابگاه راهنمایی کردید یک شخص بنام ناصر، تمام وقت کنار ما بود مبادا من با پسر من صحبتی خصوصی کنم!! تمام کادوهایی که بردم تا زمانی که اشرف را ترک کردم

من از تبار رئیسعلی تنگستانم ، به این راحتی تسلیم
نمی شوم و تا آزادی فرزندم تلاش میکنم. این بار من
هم کنار احمد و محمود پشت در لیبرتی فرزند تحت
اسارت علی را صدا خواهم زد.

به خاک و خون کشیدن فقط در مرام رجوی و
سرکردگانش میباشد و بس! شما سران مجاهدین خلق
به جای صادر کردن اطلاعیه و تکرار حرفهای بی معنا
و دروغ ، باید اجازه ملاقات به من را بدهید. من یک
مادر سالخورده ام دوست دارم فرزندم را ببینم و این
حق من است. من هم در این نامه ، از شما و سازمان
کشیفتان به سازمان ملل و صلیب سرخ و تمام مجامع
بین المللی شکایت میکنم و اجازه ملاقات میخواهم!
سکینه عوض زاده مادر چشم انتظار علی هاجری

رونوشت به :

کمیته بین المللی صلیب سرخ

دیده بان حقوق بشر

پاسخ آقای محمود هاجری به ادعاهای
نادرست و لجن پراکنی سران فرقه ستیزه
جوی مجاهدین.

خانواده های ایرانی خواستار آزادی و نجات
فرزندان و بستگانشان از اسارتگاه رجوی در
عراق هستند.

اردیبهشت - ۱۳۹۴





دفاتر انجمن نجات

نام استان	تلفن - فکس - صندوق پستی
آذربایجان شرقی	تلفن : ۰۴۱۱۳۳۷۹۴۳۰ همراه : ۰۹۱۴۱۱۶۴۲۶۷ صندوق پستی : ۵۱۳۸۵-۱۶۳۱
آذربایجان غربی	تلفن و فکس : ۰۴۴۱۲۲۵۲۷۹۳ همراه : ۰۹۱۴۱۴۵۱۵۶۰ صندوق پستی : ۵۷۱۵۵-۱۱۵۷
اردبیل	تلفن : ۰۴۵۱۲۲۵۴۱۰۶ صندوق پستی : ۵۶۱۳۵/۱۶۱
اصفهان	تلفن : ۰۳۱۱۲۶۵۰۶۷۶ همراه : ۰۹۱۳۳۰۳۶۰۱۳ صندوق پستی : ۸۱۴۶۵/۱۴۹۹
ایلام	تلفن : ۰۹۱۹۳۱۴۴۳۶۷ فکس : ۰۳۳۳۱۹۸۲ - ۰۸۴۱ صندوق پستی : ۶۹۳۱۵-۳۹۵
بوشهر	تلفن : ۰۹۱۷۱۷۱۲۴۰۲
تهران	تلفن : ۰۲۱۸۸۹۶۱۰۳۱ فاکس : ۰۲۱۸۸۹۶۵۲۱۸ صندوق پستی : ۱۴۱۴۵/۱۱۹
چهارمحال و بختیاری	صندوق پستی : ۸۱۵۵-۵۱۵
خراسان رضوی - مشهد	همراه : ۰۹۱۵۱۰۹۳۲۶۰ تلفن : ۰۸۸۳۸۳۸۹ - ۰۵۱۱ صندوق پستی : ۹۱۷۳۵-۷۸۶
خوزستان - اهواز	تلفن : ۰۶۱۱۳۳۶۲۸۹۱ همراه : ۰۹۱۶-۱۴۱۵۹۲۱ صندوق پستی : ۶۱۵۵۵۱۱۶۱
خراسان جنوبی - بیرجند	صندوق پستی : ۳۶۷ - ۹۷۱۷۵
زنجان	تلفن : ۰۲۴۱۷۲۸۶۳۲۰ صندوق پستی : ۴۵۱۹۵/۱۴۵۶
سمنان	تلفن : ۰۲۳۱۴۴۳۸۰۸۳ همراه : ۰۹۱۹۴۳۲۱۸۷۷ صندوق پستی : ۳۵۱۴۵-۴۱۳
سندج	تلفن : ۰۹۱۸۶۴۶۶۸۸۷ صندوق پستی : ۶۶۱۳۵-۳۶۱
سیستان و بلوچستان	تلفن : ۰۵۴۱۳۲۵۰۶۳۹ همراه : ۰۹۳۶۴۲۴۰۸۴۴ صندوق پستی : ۹۸۱۵۵-۵۱۵
خراسان شمالی	تلفن : ۰۹۱۵۷۹۶۶۰۴۹ صندوق پستی : ۱۴۷۹ - ۹۴۱۵۵
فارس - شیراز	تلفن : ۰۷۱۱۲۳۴۴۵۵۴ صندوق پستی : ۷۱۵۵۵ - ۵۴۵
قم	تلفن : ۰۲۵۱۷۸۳۵۷۵۰
قزوین	تلفن : ۰۹۱۲۱۸۲۲۸۳۵ صندوق پستی : ۳۴۱۸۵ - ۳۱۴۵
کرمان	تلفن : ۰۹۱۳۳۹۳۱۹۳۰ صندوق پستی : ۷۶۱۳۵ - ۳۵۴۶
کرمانشاه	تلفن : ۰۸۳۱۸۲۲۹۷۴۷ صندوق پستی : ۱۶۶۳ - ۶۷۱۵۵
کرج	تلفن : ۰۲۶۳۲۲۰۳۲۴۲ همراه : ۰۹۳۵۸۱۷۹۹۵۸ صندوق پستی : ۱۶۹۱ - ۳۱۵۸۵
کهگیلویه و بویر احمد	صندوق پستی : ۳۷۷
گلستان - گرگان	تلفن : ۰۱۷۱۲۲۶۰۲۳۴ همراه : ۰۹۱۱۲۷۵۲۷۲۱ صندوق پستی : ۸۶۷ - ۴۹۱۷۵
گیلان - رشت	تلفن : ۰۱۳۱۷۷۳۰۰۵ کد پستی : ۳۶۸۳۵ - ۴۱۷۹۹
لرستان	تلفن : ۰۶۶۱۳۲۴۱۲۱۲ صندوق پستی : ۶۸۱۳۵/۱۸۷
مازندران - ساری	تلفن : ۰۱۵۱۲۲۶۵۶۵۲ صندوق پستی : ۱۵۱۳ - ۴۸۱۷۵
مرکزی - اراک	تلفن : ۰۸۶۱۴۰۲۹۲۶۳ صندوق پستی : ۱۳۱۴ - ۳۸۱۹۵
هرمزگان - بندرعباس	تلفن : ۰۹۳۶۲۸۸۲۸۶۶
همدان	تلفن : ۰۹۱۸۸۱۲۶۰۱۲ صندوق پستی : ۹۶۶ - ۶۵۱۵۵
یزد	تلفن : ۰۳۵۱۶۲۰۲۵۲۶ صندوق پستی : ۵۹۴ - ۸۹۱۶۵



E.MAIL:info@nejatngo.org
WWW.NEJATNGO.ORG

تلفن : ۰۲۱-۸۸۹۶۱۰۳۱

فکس : ۰۲۱-۸۸۹۶۵۲۱۸

صندوق پستی : ۱۴۱۴۵/۱۱۹